





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

طرح پژوهشی
تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان نامه ها و
رساله های ایران

مجری
رحمان شریف زاده

دی ۱۴۰۰

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی «تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران» پیرو قرارداد شماره ۳۳/۸۵۷۱ مورخ ۹۹/۱۰/۸ میان پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (کارفرما) و رحمان شریف‌زاده اجرا شده است. گزارش حاضر یک جلد از مستندات این طرح است.

این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و هرگونه استفاده از تمامی یا پاره‌ای از آن، شامل: نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر فقط با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتابشناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد.

صحت مندرجات گزارش بر عهده مجری طرح پژوهشی است.



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
ایرانداک

شماره:
۳۳/۹۵۸۸
تاریخ:
۱۴۰۰/۱۱/۰۹
پیوست:

تعداد:

برنامۀ

ایرانداک در نیمه قرن دوم کار خود همچنان جوان و کوشا، همراه هر پژوهش، پژوهشگر، و سیاست‌گذار

۱۳۴۷-۱۴۰۰

گواهی

انجام طرح پژوهشی:

◇ عنوان: تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران

◇ مجری: دکتر رحمان شریف‌زاده

◇ همکار(ان): -

◇ شماره و تاریخ قرارداد: ۳۳/۸۵۷۱ (۱۳۹۹/۱۰/۸)

◇ تاریخ شروع: ۱۳۹۹/۱۰/۸

◇ تاریخ پایان (تصویب گزارش پایانی در شورای پژوهش): ۱۴۰۰/۱۱/۵ (نشست ۴۴۲)

◇ ناظر: دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی

در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) گواهی می‌شود. از سوی ایرانداک، از مجری، و ناظر گرامی این طرح ارزشمند سپاسگزارم.

با آرزوی بهروزی
پرکیز شهریاری
معاون پژوهش و آموزش

عنوان طرح: تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان نامه ها و رساله های ایران

مدیر طرح پژوهشی: رحمان شریف زاده، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه فلسطین، شماره ۱۰۹۰، طبقه ۴، اتاق ۴۱۳

صندوق پستی: ۱۳۱۵۷۷۳۳۱۴ تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۴۹۸۰ (داخلی ۳۹۰)

وبگاه:

رایانامه: Sharifzadeh@irandoc.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش تدوین کدهای اخلاقی استادان راهنما و مشاور پایان‌نامه‌ها و رساله‌هاست. فرایند رسیدن به این هدف، دارای سه گام تعیین اصول اخلاقی، استخراج چالش‌های اخلاقی، و تدوین کدهای اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها خواهد بود. بر این اساس، در فصل دوم، اصول اخلاقی دیوید راس به اضافه اصل احترام، را به عنوان زیربنای اخلاقی حرفه راهنمایی پژوهش معرفی و از آن در برابر مجموعه اصول مشابه دفاع خواهیم کرد. سپس در فصل سوم چالش‌های راهنمایی پژوهش را از ادبیات موضوع، پژوهش‌ها و همچنین آیین‌نامه‌های دانشگاه‌های متعدد، استخراج خواهیم کرد؛ در این فصل ده چالش اصلی به همراه نمونه‌هایی ملموس‌تر از آن‌ها را استخراج خواهیم کرد و در ادامه با نظرسنجی از ۲۵ نفر از اعضای هیئت علمی و دانشجویان/فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی، با حفظ حداکثر تنوع در رشته و دانشگاه، به این سوال پاسخ خواهیم داد که این چالش‌ها چه اندازه در زمینه دانشگاهی ایران نیز رخ می‌دهند. نتایج حاکی از ارتباط بالای این چالش‌ها با زمینه ایران هستند. بالابودن میانگین برخی از چالش‌ها تصویری نگران‌کننده از چندوچون اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در ایران را ارائه می‌کند. با توجه به اینکه استادان و دانشجویان به عنوان دو ذینفع اصلی حرفه راهنمایی پژوهش در این پژوهش مشارکت داشتند امکان مقایسه چشم‌انداز اخلاقی آن‌ها با هم نیز فراهم بود. در برخی موارد، دانشجویان و اساتید دیدگاه‌های واگرایی نسبت به میزان اهمیت و وقوع برخی از چالش‌ها داشتند. در نهایت، در فصل چهارم، بر اساس چالش‌های به دست آمده و متناسب با مصادیق آن‌ها، ۳۶ کد مستقل برای مجموعه چالش‌ها تدوین شده و ارتباط و جامعیت کدها با کمک یک گروه کانونی سنجیده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها:

نظارت و راهنمایی پژوهش، اخلاق نظارت بر پژوهش، استاد راهنما، پایان‌نامه، رساله، کدهای اخلاقی.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه	شماره
فصل اول کلیات پژوهش	۱	
۱-۱. مقدمه	۲	
۲-۱. اهداف پژوهش	۳	
۳-۱. پیشینه پژوهش	۴	
۴-۱. روش پژوهش	۶	
۵-۱. مفاهیم اصلی	۷	
فصل دوم راهنمایی پژوهش و اخلاق	۱۰	
۱-۲. مقدمه	۱۱	
۲-۲. استاد راهنما دقیقاً چه می کند؟	۱۲	
۳-۲. تقاطع راهنمایی پژوهش و اخلاق	۱۵	
۱-۳-۲. انتقال رویه های درست پژوهشی	۱۶	
۲-۳-۲. راهنمایی اخلاقی و کیفیت پژوهش	۱۷	
۳-۳-۲. رابطه نامتقارن استاد راهنما و دانشجو	۱۷	
۴-۳-۲. تعارض منافع در راهنمایی	۱۸	
۴-۲. راهنمایی و نظارت بر پژوهش یک حرفه است	۱۸	
۵-۲. اصول اخلاقی	۱۹	
۶-۲. اهمیت متفاوت اصول اخلاقی	۲۷	

فصل سوم_ چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها	۳۱
۱-۳. مقدمه	۳۲
۲-۳. چالش‌های اخلاقی راهنمایی پژوهش	۳۳
۳-۳. چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و زمینه ایران	۴۱
۱-۳-۳. دور نخست نظرسنجی	۴۱
۲-۳-۳. نتایج دور نخست نظرسنجی	۴۸
۱-۲-۳-۳. پاسخ‌های پرسش نخست	۴۹
۲-۲-۳-۳. پاسخ‌های پرسش دوم	۶۱
۳-۲-۳-۳. پاسخ‌های پرسش سوم	۶۲
۴-۳-۳-۲. پاسخ‌های پرسش چهارم	۶۴
۵-۳-۳-۲. پاسخ‌های پرسش پنجم	۶۵
۲-۳-۳. دور دوم نظرسنجی	۶۵
۴-۳. نتیجه‌گیری	۶۹
فصل چهارم کدهای اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها	۷۰
۱-۴. مقدمه	۷۱
۲-۴. چالش‌ها و کدها	۷۱
فصل پنجم نتیجه‌گیری	۹۳
منابع	۹۸

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲: اهمیت متفاوت اصول اخلاقی از نگاه استادان و دانشجویان	۲۹
جدول ۱-۳: چالش‌ها و اصول اخلاقی در معرض نقض	۴۰
جدول ۲-۳: اطلاعات مشارکت‌کننده (دور نخست نظرسنجی)	۴۳
جدول ۳-۳: پرسش اول (دور نخست نظرسنجی) - بخش ۱	۴۶
جدول ۴-۳: پرسش سوم (دور نخست نظرسنجی)	۴۷
جدول ۵-۳: میانگین پاسخ‌های پرسش اول	۵۲
جدول ۶-۳: مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه دانشجویان/فارغ‌التحصیلان و استادان	۵۷
جدول ۷-۳: مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه علوم انسانی - اجتماعی و علوم پایه - مهندسی به پرسش اول	۶۰
جدول ۸-۳: میانگین پاسخ‌های پرسش سوم	۶۳
جدول شماره ۹-۳: مقایسه میانگین پاسخ‌های دور نخست و دور دوم نظرسنجی	۶۸
جدول ۱-۴: کدهای چالش اول	۷۳
جدول ۲-۴: کدهای چالش دوم	۷۴
جدول ۳-۴: کدهای چالش سوم	۷۵
جدول ۴-۴: کدهای چالش چهارم	۷۵
جدول ۵-۴: کدهای چالش پنجم	۷۶
جدول ۶-۴: کدهای چالش ششم	۷۷
جدول ۷-۴: کدهای چالش هفتم	۷۸
جدول ۸-۴: کدهای چالش هشتم	۷۹
جدول ۹-۴: کدهای چالش نهم	۷۹
جدول ۱۰-۴: کدهای چالش دهم	۸

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

معمولاً نخستین تجربه دانشجویان از پژوهش، نوشتن پایان‌نامه است، در نتیجه اولین تمرین انجام یک پژوهش اخلاق‌مدارانه، در جریان نوشتن پایان‌نامه‌ها صورت می‌گیرد. اساتید راهنما و مشاور، نه تنها ناظر کار پژوهشی‌اند، بلکه نخستین راهنمای اخلاق پژوهش دانشجویان نیز به شمار می‌روند (Alfredo and Hart 2011; Gray and Jordan 2012). دانشجویان، در عمل، و به طور مستقیم، از نحوه مواجهه این اساتید با خود و فرایند نوشتن پایان‌نامه بسیار متأثر خواهند شد. از این‌رو، هر نوع تخلف یا بدرفتاری پژوهشی از سوی اساتید راهنما و مشاور، می‌تواند اثرات دیرپایی روی دانشجو باقی گذارد (Anderson et al. 1994; Löffström, Trotman, Furnari & Shephard 2015).

اساتید راهنما و مشاور، به‌صرف این‌که در مقام نظارت و راهنمایی یک پایان‌نامه قرار می‌گیرند، دارای یک سری وظایف اخلاقی، و دانشجویان نیز به تناسب آن دارای حقوقی خواهند شد. اهمیت این موضوع باعث شده که اکثر دانشگاه‌های بزرگ در سراسر جهان، از جمله دانشگاه ادینبورا، کمبریج، شفیلد، گلاسکو، اکستر، مانش، هلسینکی، و دانشگاه منچستر، اقدام به تنظیم کدهای اخلاقی اساتید راهنما و مشاور

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۳

پایان‌نامه و رساله‌ها کنند. استادان موظف‌اند پیش از برعهده گرفتن راهنمایی یا مشاوره یک پایان‌نامه یا رساله از کدهای اخلاقی حاکم بر کار خود و از پیامدهای تخلف از آن‌ها آگاهی یابند.

در ایران، با یک خلأ کامل مواجه هستیم. معمولاً اساتید از وظایف اخلاقی خود آگاهی ندارند و هیچ مجموعه کد اخلاقی نیز در این زمینه تدوین نشده است. یکی از مشکلات جدی بسیاری از دانشجویان در جریان نوشتن پایان‌نامه، نحوه مواجهه اساتید راهنما و مشاور در رابطه با دانشجو، پیشنهاد، و نوشتن پایان‌نامه است. روشن است که هرگونه بدرفتاری علمی و غیرعلمی از سوی اساتید راهنما و مشاور، روی کیفیت کار دانشجو، و نیز منش و برخورد دانشجو در پژوهش‌های آتی تأثیر خواهد گذاشت. وجود مجموعه کدهای اخلاقی اساتید راهنما و مشاور، نه تنها باعث خودآگاهی اساتید به وظایف اخلاقی خود در قبال دانشجو و پایان‌نامه یا رساله و در نتیجه بالارفتن کیفیت کار انجام‌شده می‌شود بلکه پیروی اساتید از کدها به طور ضمنی تأثیری ایجابی بر رفتار کنونی و آتی دانشجو خواهد گذاشت. از این گذشته، پیروی یا عدم پیروی از کدهای اخلاقی راهنمایی و مشاوره، می‌تواند به مثابه مبنایی برای ارزیابی اساتید در تنظیم سیاست‌های مربوط به صدور مجوز راهنمایی و مشاوره برای اساتید در دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها، و نیز در تبدیل وضعیت و ارتقای آن‌ها، در نظر گرفته شود.

کدهای اخلاقی به سبب عام‌بودن‌شان قابل‌کاربست در همه حوزه‌های پژوهشی هستند اما در اینکه یک کد اخلاقی چگونه باید تعبیر شود و یا چه مصادیقی پیدا خواهد کرد زمینه و ویژگی‌های خاص یک حوزه پژوهشی دخیل خواهند بود. بنابراین وجود کدهای عام، به معنای انکار تخصص و تکینگی حوزه‌های پژوهشی گوناگون نیست. در مقام مقایسه می‌توان گفت که در حرفه پزشکی نیز یک منشور عام پزشک وجود دارد (یعنی برای هر تخصص، مجموعه کد جداگانه‌ای وجود ندارد) باین حال کدهای اخلاق پزشکی در زمینه‌های گوناگون ممکن است مصادیق و تعابیر گوناگون بیابند.

۱-۲. اهداف پژوهش

هدف ما در این طرح تدوین کدهای اخلاقی اساتید راهنما و مشاور است. در وهله نخست ما اصول اخلاقی و نیز چالش‌های اخلاقی‌ای چون نظارت و حمایت ناقص، تحمیل دیدگاه، سوء‌بهره‌گیری، رابطه

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴

دوگانه^۱، تشویق به تقلب و غیره (Changiz et al. 2003; Löfström and Pyhältö 2012, 2014) را از ادبیات بحث استخراج خواهیم کرد. سپس ارتباط این چالش‌ها را با زمینه دانشگاهی ایران خواهیم سنجید و درنهایت مطابق آن‌ها کدهای اخلاقی متناسب تدوین خواهد شد. بر این اساس این کار یک هدف اصلی و چند هدف جزئی دارد:

هدف اصلی

۱. تدوین و تبیین کدهای اخلاقی اساتید راهنما در ایران.

اهداف جزئی:

۱. مشخص کردن اصول اخلاقی نظارت بر رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها؛
۲. شناسایی چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در ایران؛
۳. استخراج کدهای اخلاقی اساتید راهنما در ایران.

۳-۱. پیشینه پژوهش

در سطح بین‌المللی چند اثر به بررسی ابعاد اخلاقی و چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها پرداخته‌اند. مثلاً گودیر و دیگران (۱۹۹۲) به برخی از مهم‌ترین چالش‌های راهنمایی پژوهش‌های دانشجویی اشاره می‌کنند و راه‌حل‌هایی نیز برای آن‌ها ارائه می‌دهند. فیالتو و دیگران (۲۰۱۱) و همچنین لافستروم و فیالتو (۲۰۱۲) عوامل متعدد اجتماعی، زمینه‌ای و اخلاقی‌ای را که می‌توانند بر رابطه استاد راهنما و دانشجو اثر بگذارند به بحث می‌گذارند. همچنین لافستروم و فیالتو (۲۰۱۵) دوراهی‌های اخلاقی رابطه استاد راهنما و دانشجو را بررسی کرده‌اند. یوسفی و دیگران (۲۰۱۵) به برخی از پیچیدگی‌ها و چالش‌های راهنمایی پژوهش در دانشگاه‌های ایران اشاره می‌کنند که برخی از آن‌ها ماهیتی اخلاقی دارند. آن‌ها به چهار درون‌مایه ۱. مسئله زمینه‌ای (مثلاً پرمشغله‌گی استاد راهنما، کمبود منابع)؛ ۲. ابهام در نقش

¹ . dual relationship

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵

(ساختار ضعیف نظارت بر رساله، ابهام در معیارهای خبرگی در راهنمایی)؛ ۳. بازتاب ضعیف (خودارزیابی ضعیف، ارتباط ناکافی)؛ و ۴. چالش اخلاقی (نبود رفتار حرفه‌ای، تعاملات نامطلوب) اشاره می‌کند. برخی از پژوهش‌ها نیز روی چالش خاصی متمرکز شده‌اند. ماناتانگا و جاستین (Manathunga & Justine 2007) تعارض منافع استاد راهنما و دانشجو، و وات (Watts 2010) عدم هماهنگی میان اساتید راهنما را به عنوان یک چالش مهم به بحث گذاشته‌اند.

مقاله قربانی تنها (۱۳۹۸) یگانه پژوهشی است که به زبان فارسی به بعضی از چالش‌های اخلاقی رابطه استاد راهنما و دانشجو یا برخی از ملاحظه‌های اخلاقی در فرایند انجام پایان‌نامه اشاره می‌کند. این مقاله با عنوان «اخلاق‌مداری در فرآیند انجام پایان‌نامه» به ملاحظه‌های اخلاقی‌ای مانند نظارت مناسب، رعایت امانت‌داری، و انصاف در حین فرایند انجام پایان‌نامه اشاره می‌کند. همچنین پژوهش‌های متعددی در مورد روابط استاد راهنما و دانشجویان، و میزان رضایت‌مندی آن‌ها از یک‌دیگر انجام شده است. مثلاً عطاران و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «انتخاب استاد راهنما و رابطه دانشجو-استاد راهنما؛ دیدگاه‌ها آموختگان دوره دکترا» میزان رضایت‌مندی دانشجویان دکتری از عملکرد اساتید راهنمایان در رشته علوم تربیتی را بررسی کرده‌اند. یا سلیمی و حسینی (۱۳۹۸) وظایف اساتید راهنما را به عنوان یک ارشادکننده پژوهشی از نقطه نظر مجموعه‌ای از دانشجویان دکتری واکاوی کرده‌اند که برخی از این وظایف دلالت‌های اخلاقی دارد. این پژوهش‌ها هیچ‌کدام به تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنما نپرداخته‌اند. با این حال به عنوان بخشی از ادبیات موضوع قابل استفاده خواهند بود.

همچنین شورای عالی برنامه‌ریزی علوم پزشکی وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۲ آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «آئین‌نامه استاد راهنما» تصویب کرد. با این حال، اولاً معنایی که در آیین‌نامه از استاد راهنما شده است بسیار عام است. در اینجا استاد راهنما «مسئولیت هدایت تحصیلی و راهنمایی دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف را در زمینه مشکلات آموزشی، پژوهشی و فردی برعهده می‌گیرد» (مقدمه). این نوع راهنمایی اختصاصی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و اساساً تحصیلات تکمیلی ندارد بلکه طبق این مصوبه در هر مقطع تحصیلی دانشکده باید دانشجویان را برای پایش پیشرفت و افت تحصیلی‌شان یا دیگر مسائل و مشکلات تحت راهنمایی یک استاد راهنما قرار دهد. هر استاد راهنما می‌تواند در هر ترم تحصیلی تا ۱۵ دانشجو (و با موافقت دانشکده تا ۲۰ دانشجو) را تحت راهنمایی بگیرد (ماده ۱۰). بنابراین این آیین‌نامه

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۶

علی‌رغم آنچه در وهله نخست عنوان به ذهن متبادر می‌کند ربطی به راهنمایی پایان‌نامه و رساله‌ها ندارد. نکته بعدی این است که بسیاری از وظایفی که در این آیین‌نامه اشاره شده وظایف رویه‌ای و اداری هستند و ارتباطی با اخلاق پیدا نمی‌کنند.

نتیجه آنکه در ایران هیچ پژوهش جامعی درباره چالش‌های اخلاقی رابطه استاد راهنما و دانشجو در فرایند انجام پایان‌نامه‌ها یا رساله‌ها انجام نشده و همچنین هیچ مجموعه کدی در این زمینه تدوین و تبیین نشده است. با توجه به اهمیت این موضوع، این خلأ می‌تواند آسیب‌زا باشد. این طرح گامی جهت پرکردن این خلأ است.

۴-۱. روش پژوهش

در این پژوهش از روش‌شناسی‌های کیفی و کمی (مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل مضمون، روش دلفی^۲، و گروه کانونی) استفاده خواهد شد. این کار در سه گام (۱) مشخص کردن اصول اخلاقی (۲) مشخص کردن چالش‌های اخلاقی و (۳) تدوین و تبیین کدها انجام خواهد شد.

گام نخست: مشخص کردن اصول اخلاقی

معین کردن کدهای اخلاقی نیازمند پیش‌فرض گرفتن یک سری اصول اخلاقی است. این اصول اخلاقی بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و استدلال‌ورزی (ارائه استدلال‌های اخلاقی) در اخلاق کاربردی مشخص می‌شوند و مبنای کار قرار می‌گیرند.

گام دوم: مشخص کردن چالش‌های اخلاقی

در این گام بر اساس مرور ادبیات موجود چالش‌های اخلاقی استخراج می‌شوند. برای استخراج آن‌ها نه تنها از پایگاه‌های داده، بلکه از مجموعه آیین‌نامه‌های دانشگاهی در این زمینه (به طور خاص دانشگاه‌هایی که در بخش بیان مسئله به آن‌ها اشاره شد) و آیین‌نامه‌های داخلی (در صورت وجود) استفاده خواهد شد.

^۲. درباره اینکه روش دلفی کمی یا کیفی، یا همزمان هر دو است اختلاف نظر وجود دارد. به همین سبب از اصلاح روش‌شناسی‌های کمی و کیفی استفاده شده است.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۷

سپس از طریق طراحی پرسش‌نامه‌هایی، در قالب روش دلفی، ارتباط و انطباق این چالش‌ها با زمینه ایران سنجیده می‌شود. ما از مجموعه‌ای از دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و اساتید خواهیم پرسید آیا چالش‌های استخراج‌شده را به زمینه ایران مرتبط و چه‌اندازه مرتبط می‌بینند و همچنین به عنوان یک سؤال باز پرسش خواهد شد که چه چالش‌های دیگری در زمینه رابطه استاد راهنما-دانشجو در انجام پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایران وجود دارد. بنابراین در این گام، در قالب روش دلفی با گردایه‌ای متشکل ۲۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فارغ‌التحصیلان و اساتید کار خواهیم کرد و پیش‌بینی می‌شود که فرایند کار در دو دور پایان پذیرد. در انتخاب افراد دو معیار عمومی و یک معیار اختصاصی (مختص اساتید راهنما) در نظر گرفته شده است. معیار عمومی دارای دو زیر معیار خواهد بود: ۱. تنوع: حداکثر تنوع در حوزه‌های پژوهشی و آموزشی رعایت خواهد شد و افرادی از هر چهار حوزه علوم انسانی-اجتماعی، مهندسی، علوم پایه و پزشکی انتخاب می‌شوند. ۲. تجربه: افراد باید تجربه انجام یا راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها را داشته باشند. معیار اختصاصی اساتید راهنما این است که اساتید دست‌کم باید راهنمایی یا مشاوره ۵ پایان‌نامه یا رساله را داشته باشند (البته این تعداد ممکن است با توجه به میزان مشارکت و تمایل به همکاری اساتید با تجربه بیشتر شود). محصول نهایی این گام، مجموعه‌ای از چالش‌های اخلاقی مورد توافق درباره ارتباط استاد راهنما و دانشجو، و درجه‌بندی شدت و ضعف آن‌ها، خواهد بود.

گام سوم: تدوین و تبیین کدهای اخلاقی

در این گام بر اساس چالش‌ها و اصول، کدهای اخلاقی‌ای تنظیم خواهد شد. برای بررسی ارتباط و انطباق این کدها با چالش‌ها و اصول از متخصصان حوزه اخلاق و غیر آن، در قالب یک گروه کانونی (متشکل از ۶-۱۰ نفر) نظرسنجی خواهیم کرد. همچنین برای این گروه کانونی یک پروتکل طراحی می‌شود و با توجه به وضعیت بهداشتی حاکم بر جامعه به احتمال زیاد به شکل آنلاین برگزار خواهد شد. لازم به ذکر است که خود کدها اعتبارشان را از نظرسنجی، مصاحبه یا اجماع خبرگان نمی‌گیرند. چنین چیزی در اخلاق کاربردی مرسوم نیست. اعتبار کدها مبتنی بر قابل دفاع بودن اصول، و مربوط بودن چالش‌ها است. کاری که در اینجا می‌کنیم صرفاً این است که با کمک چند محقق دیگر، انطباق کدهای تعریف‌شده و چالش‌ها و اصول را بررسی خواهیم کرد.

۵-۱. مفاهیم اصلی

استاد راهنما (یا استاد ناظر) (supervisor): یک عضو هیئت علمی است که (با پیشنهاد معاونت آموزشی و حکم رئیس پژوهشکده/دانشکده) بر فرایند انجام پژوهش و نگارش یک پایان‌نامه یا رساله توسط دانشجو نظارت می‌کند. استادان راهنما بسته به میزان درگیری در این فرایند می‌توانند چند نفر و در چند سطح باشند. آنچه در ایران «استاد مشاور» خوانده می‌شود نیز یک استاد راهنماست که معمولاً در ادبیات انگلیسی «استاد راهنمای همکار» (associate supervisor)، استاد راهنمای دوم، یا استاد راهنمای سوم، خوانده می‌شود. و مجموع اساتید راهنما در یک رساله یا پایان‌نامه، «هم‌راهنما» (co-supervisor) گفته می‌شوند. همچنین در مواردی که یک رساله یا پایان‌نامه دارای دو استاد راهنما با درگیری و مسئولیت یکسان (۵۰-۵۰) در قبال دانشجو است معمولاً از اصطلاح استاد راهنمای مشترک (joint supervisor) استفاده می‌شود (مثلاً ر.ک. به تعاریف دانشگاه مانش (monash.edu)).

البته دانشکده کمبریج نیز همانند ایران از واژه استاد مشاور (student advisor) استفاده می‌کند. در این دانشگاه گروه راهنمایی و نظارت، متشکل از دست کم یک استاد راهنمای اصلی و یک مشاور است (cambridgestudents.cam.ac.uk). باین حال معمولاً در ادبیات انگلیسی اصطلاح «استاد مشاور» کاربرد دیگری دارد و با این اصطلاح در ایران فرق می‌کند. استاد مشاور در ادبیات انگلیسی کسی است که معمولاً در دوره دکتری از همان ترم نخست برای ارائه مشاوره به دانشجو در زمینه انتخاب دوره‌های آموزشی، و دیگر مسائل و مشکلات دانشجو انتخاب می‌شود.

کدهای اخلاقی: استانداردها، باید و نبایدها، یا هنجارهای اخلاقی‌ای که راهنمای رفتار افراد در یک حوزه خاص هستند. لازم به ذکر است که کدها یا هنجارهای اخلاقی با هنجارهای حقوقی متفاوت هستند. فرق هنجارهای اخلاقی و حقوقی در این است که هنجارهای اخلاقی مبتنی بر استدلال‌های اخلاقی (نه حقوقی یا دیگر نظام‌های هنجاری) هستند اما هنجارهای حقوقی منابع متکثری دارند. منشأ حقوق ممکن است اخلاق، دین، سیاست و غیره باشد. ثانیاً هنجارهای اخلاقی لزوماً مصوب شده یا لازم‌الاجرا نیستند اما هنجارهای حقوقی مصوب شده و لازم‌الاجرا هستند (هرچند ممکن است به علل دیگر در جامعه‌ای اجرا نشوند). هنجارهای اخلاقی در صورت مصوب شدن می‌توانند جنبه حقوقی پیدا کنند و بدل به هنجارهای حقوقی شوند.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۹

چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه: به هر نوع بدرفتاری یا کنش‌های شهوداً غیراخلاقی در فرایند انجام پایان‌نامه یا رساله گفته می‌شود که به نحوی به رابطه دانشجو و استاد راهنما مربوط است مانند نظارت و حمایت ناقص، تحمیل دیدگاه، سوء بهره‌گیری، رابطه دوگانه، تشویق به تقلب و غیره.

اصول اخلاقی: اصول اخلاقی مبنایی که در ارزیابی کنش‌ها و ارائه کدهای اخلاقی نقش دارند این اصول ممکن است از یک یا چند نظریه در اخلاق هنجاری بهره بگیرند.

اخلاق حرفه‌ای: زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است که دربردارنده اصول و استانداردهای اخلاقی برای کنشگران یک حرفه خاص است؛ مانند اخلاق حرفه‌ای پزشکی، مهندسی، وکالت، پلیس. راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها باتوجه به اینکه یک حرفه محسوب می‌شود ذیل این حوزه قرار می‌گیرد.

فصل دوم

راهنمایی پژوهش و اخلاق

۲-۱. مقدمه

نظارت و راهنمایی انواع گوناگونی دارد؛ از نظارت بر یک پروژه ساختمانی گرفته، تا نظارت و راهنمایی یک مربی در یک ورزش رزمی. «نظارت و راهنمایی پژوهشی»^۳ نوع خاصی از راهنمایی است که در آن فردی نحوه انجام یک پژوهش توسط پژوهشگر را بررسی و پایش می‌کند و وی را در مسیر انجام آن راهنمایی می‌کند. نظارت و راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها زیرمجموعه‌ای از نظارت و راهنمایی پژوهشی است که در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها انجام می‌شود. در اینجا راهنما یا ناظر، یک عضو هیئت‌علمی، و پژوهشگر دانشجوی تحصیلات تکمیلی است. راهنمایی پژوهش فعالیت‌های چندکنشگره و چندعاملی است. «راهنمایی پژوهش فرایند پیچیده‌ای است که از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد از جمله وضعیت دانشگاهی، شخصیت‌های استاد راهنما و دانشجو، و رابطه‌ای که میان آن دو به وجود می‌آید، تخصص و خبرگی استاد راهنما، و مسئله‌ای که دانشجو در طول فرایند پژوهش با آن مواجه می‌شود» (Miller 2013, 83).

³ . research supervision

اما در این فعالیت پیچیده، استاد راهنما به طور خاص چه نقشی بازی می‌کند؟ و چگونه نقش وی و روابط خاصی که با دانشجو دارد می‌تواند به مسائل اخلاقی دامن بزند؟ چه اصول اخلاقی‌ای وجود دارند که بر اساس آن می‌توان برخی از رفتارها را از نظر اخلاقی، مسئله‌دار دانست؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که در این فصل به آن‌ها پاسخ خواهیم داد.

۲-۲. استاد راهنما دقیقاً چه می‌کند؟

اکثر دانشگاه‌ها به طور خاص به نقش و وظایف استاد راهنما اشاره می‌کنند. اما در برخی دانشگاه‌ها در مورد اینکه این وظایف چه هستند ممکن است نوعی ابهام و سردرگمی وجود داشته باشد. حتی میان دانشگاه‌هایی که صراحتاً نقش‌ها و وظایف استاد راهنما را ذکر می‌کنند تفاوت‌های قابل توجهی به چشم می‌خورد. برخی به بیان یک سری کلیات بسنده می‌کنند اما برخی به شکلی جزئی‌تر و مشخص‌تر این وظایف را بیان می‌کنند. مثلاً دانشگاه سیدنی استرالیا به شکل کلی برای استاد راهنما وظایف زیر را تعریف کرده است (www.sydney.edu.au):

۱. در حوزه مطالعاتی شما توصیه‌هایی ارائه می‌دهد و به پژوهش شما جهت می‌دهد.
۲. برای پیشرفت کار شما مراحل تعیین می‌کند، و پیشرفت‌تان را پایش می‌کند.
۳. از کارتان بازخورد می‌دهد، و شما را تشویق و پشتیبانی می‌کند.

در مقابل کالج دانشگاهی لندن وظایف استاد راهنما را چنین تعریف می‌کند (www.ucl.ac.uk):

۱. طرح و مسئله پژوهشی دانشجو را صورت‌بندی^۴ می‌کند.
۲. روش‌های پژوهشی‌ای که باید بکار روند را مشخص می‌کند.
۳. با جامعه پژوهشی گسترده‌تر حوزه مطالعاتی انتخابی دانشجو آشنا می‌شود.
۴. نتایج پژوهش دانشجو را ارزیابی می‌کند.

^۴ . formulate؛ صورت‌بندی غیر از طرح و معرفی است. این دانشگاه نمی‌گوید که استاد راهنما برای دانشجو موضوع پژوهش و مسئله پژوهش را تعریف می‌کند بلکه می‌گوید در صورت‌بندی آن به نحوی که با استانداردهای پژوهشی دانشگاه همخوان باشد نقش بازی می‌کند.

۵. اطمینان پیدا می‌کند که کار دانشجو استانداردهای لازم دانشگاه را برآورده می‌کند.

۶. بر اساس مهلت‌ها^۵ کار را پیش می‌برد.

۷. برای بهبود کار دانشجو، به وی بازخورد می‌دهد.

۸. مشکلاتی را که ممکن است در جریان پژوهش ایجاد شود رفع می‌کند.

۹. کار دانشجو را برای دیگر دانشجویان، دانشگاهیان یا طرف‌های علاقه‌مند ارائه می‌کند.

۱۰. گام‌های بعدی حرفه یا مطالعات بیشتر دانشجو را آماده می‌کند.

اینکه راهنمایی پژوهشی چیست و چگونه باید باشد بر اساس سنت‌ها و رویه‌های دانشگاه‌ها و رشته‌ها ممکن است متفاوت باشد (Todd et al. 2006). با این حال رسیدن به یک زمینه مشترک چندان دشوار نیست. گرنت و دیگران در پژوهشی با بررسی سیاست‌های چندین دانشگاه موارد زیر را به عنوان مشترکات اصلی وظایف استاد راهنما در سیاست‌های این دانشگاه‌ها ذکر می‌کنند (2014, 47).

۱. با حوزه موضوعی و فرایند پژوهشی رشته مورد نظر آشنا باشد.

۲. با قواعد و آیین‌نامه‌هایی که بر کار پژوهشی دانشجو حاکم هستند آشنا باشد.

۳. به شکلی علمی به دانشجو در انجام پژوهش راهنمایی و مشاوره بدهد، و در برخی موارد در رویه‌های تجربی مستقیماً آموزش دهد.

۴. با راهنمایی دانشجو به سازمان‌های آموزش دیده مربوطه، وی را در موضوعات خدمات معنوی/اجتماعی (یعنی مسائل شخصی، سلامتی، یا مالی) یاری دهد.

۵. دانشجو را در پیشرفت حرفه‌اش هم در دوره دانشجویی (مثلاً از حضور دانشجو در کنفرانس‌ها، تجربه تدریس، درخواست جوایز/بورس تحصیلی، ورود به مسابقات، انتشار) و هم پس از آن (مثلاً گزارش‌های ارزیابانه برای گرفتن موقعیت [کاری] یا درخواست پژوهانه) حمایت کند.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۱۴

۶. با دانشجو به یک مفاهمه، به‌ویژه بر سر داشتن جلسات رسمی منظم با وی برسد.

۷. از کار دانشجو ارزیابی انتقادی سازنده‌ای داشته باشد.

۸. دانشجو را فوراً از پیشرفت نارضایت‌بخش هر جنبه‌ای از کار دانشجو آگاه کند، و اگر این پیشرفت نارضایت‌بخش احتمالاً پایان‌یافتن مطلوب کار را با مشکل مواجهه می‌کند چنین توصیه‌ای به شکل کتبی صورت بگیرد.

۹. در مورد شکل رساله، تا الزامات دانشگاه را برآورده کند، و همچنین آماده‌سازی متن نوشتاری رساله، تا با هنجارها و انتظارات حوزه علمی مورد نظر همخوان باشد، راهنمایی و توصیه خاص بدهد.

۱۰. به شکلی فعال درگیر آماده‌سازی یک برنامه پژوهشی با دانشجو شود.

۱۱. درباره پیشرفت طرح پژوهشی در زمان مرور پیشرفت کار، گزارشی بنویسد.

۱۲. دانشجو را در شناسایی موضوعات اخلاقی و مالکیت فکری، و پیروی از آیین‌نامه‌های اخلاقی و مالکیت فکری یاری دهد، و اطمینان یابد که وی درباره پیامدهای بدرفتاری پژوهشی آگاه است.

گرنه و دیگران در یک تقسیم‌بندی از سه استعاره برای توصیف کار راهنمایی استفاده می‌کنند: استعاره ماشین، مربی، و سفر. در استعاره ماشین، راهنمایی و نظارت همچون عملکرد یک ماشین است که ورودی و خروجی خاصی دارد و از الگوریتم‌ها (سیاست‌ها/بایدونباید‌های خاصی) پیروی می‌کند. معمولاً این الگوریتم‌ها از طریق سیاست‌های دانشگاه‌ها، مانند آنچه در بالا دیدیم، منعکس می‌شوند. در اینجا رابطه خود راهنما و دانشجو چندان مداخلیت ندارد؛ مهم این است که هر دو تابع سیاست‌ها باشند. و این مهم‌ترین نقطه ضعف این نوع استعاره است. استعاره مربی، تمرکز اصلی‌اش روی پایش و کنترل است. در اینجا استاد راهنما انعطاف چندان ندارد و همچون یک مربی ورزش، دستورالعمل‌های خود را دیکته می‌کند و میدان چندان برای خلاقیت خود دانشجو باقی نمی‌گذارد. «بسیاری از مشارکت‌کنندگان هم‌صدا بودند که استاد راهنما نباید «نظارت بیش‌ازحد بر دانشجو داشته باشد»... چراکه کار کار دانشجوست و استاد راهنما نباید خود را سانسورچی تصور کند» (۵۴). در نظر آن‌ها استاد راهنما صرفاً باید

مشاوره بدهد. به همین دلیل آن‌ها مفهوم «مشاور طرح» را بر راهنمایی و نظارت ترجیح می‌دادند؛ چرا که «راهنما/ناظر» دلالت معنایی نادرستی درباره کار راهنمایی ایجاد می‌کند؛ راهنمایی صرفاً کنترل و پایش نیست بلکه استاد راهنما بیشتر یک «دوست منتقد» است (همان). البته مفهوم دوست نیز دلالت‌های مسئله‌سازی برای راهنمایی و نظارت پژوهش دارد. چنانکه کیرنز و فین (۲۰۱۷) اشاره می‌کنند استاد راهنما دوست نیست چون دوستی لوازمی دارد. «وی باید دوستانه رفتار کند اما دوست نباشد». ما به این موضوع بر خواهیم گشت.

استعاره سفر هیچ نوع دلالتی بر پایش و کنترل ندارد و برخلاف استعاره ماشین بر رابطه میان استاد و دانشجو مبتنی است. طبق این استعاره استاد راهنما چند ویژگی دارد: ۱. یک همراه سفر است که تجربه بیشتری از دانشجو دارد؛ ۲. خود آماده یادگیری است؛ ۴. مشتاق سفر (موضوع پژوهش) است. بنابراین ترکیبی از تجربه (دانش)، روحیه یادگیری (انعطاف‌پذیری) و اشتیاق را دارد (۵۴).

گرت و دیگران در نهایت نتیجه می‌گیرند که عناصری از هر سه استعاره برای تعریف یک نظارت و راهنمایی خوب لازم هستند (۵۵). نظارت خوب هم کم‌وبیش در چهارچوب سیاست‌های دانشگاه پیش می‌رود؛ هم تاحدی حاوی نظارت و کنترل است؛ و هم استاد راهنما همچون یک هم‌سفر با تجربه و مشتاق یادگیری با دانشجو ارتباط می‌گیرند. با این حال در هیچ‌یک از این عناصر افراط نمی‌شود.

اما در کنار این وظایف ایجابی دو کار هست که وظیفه استاد راهنما نیست (Kearns and Finn 2017, 165):

۱. استاد راهنما موظف نیست مسائل جدی شخصی و خصوصی دانشجو را حل کند یا درگیر آن شود. با این حال موظف است توصیه‌های سازنده‌ای در اختیار وی گذارد یا وی را به مراکز یا بخش‌هایی که می‌توانند به وی کمک کنند معرفی کند.
۲. استاد راهنما نباید نقش پژوهشگر را ایفا کند و برای دانشجو پایان‌نامه یا رساله بنویسد. نقش استاد راهنما، «راهنمایی و نظارت» است نه «نویسندگی و پژوهشگری».

۲-۳. تقاطع راهنمایی پژوهش و اخلاق

راهنمایی و نظارت به پایان‌نامه‌ها و رساله چگونه به اخلاق مربوط می‌شود؟ نظارت و راهنمایی در کل دلالت‌های اخلاقی دارد اما در نظارت و راهنمایی پژوهش این دلالت‌ها قوی‌تر و آشکارترند. بر اساس مطالعه منابع گوناگون ادبیات موضوع نظارت بر پژوهش، به نظر می‌رسد دست‌کم چهار موضوع هست که می‌تواند به تقاطع میان اخلاق و راهنمایی پژوهش بیانجامد. به عبارتی دیگر چهار موضوع می‌تواند به اخلاق در راهنمایی و نظارت اهمیتی ویژه بدهد: ۱. دانشجو از طریق نوشتن پایان‌نامه و گرفتن راهنمایی و نظارت از استاد راهنما، رویه‌های درست پژوهشی را یاد می‌گیرد؛ ۲. راهنمایی درست یکی از عناصر مهم تضمین کیفیت پژوهش است؛ ۳. رابطه استاد راهنما و دانشجو به دلیل نامتقارن بودن ممکن است دربردارنده چالش‌های اخلاقی باشد؛ ۴. استاد راهنما و دانشجو ممکن است تعارض منافع داشته باشند. دو موضوع نخست از علل توجه به اخلاق در پژوهش، و دو موضوع دوم از علل بروز چالش اخلاقی در راهنمایی پژوهش هستند.

۲-۳-۱. انتقال رویه‌های درست پژوهشی

دانشجویان با نوشتن رساله و پایان‌نامه فقط مهارت‌های پژوهش را یاد نمی‌گیرند و فقط کسب دانش نمی‌کنند بلکه «به عضویت کامل یک جامعه علمی درمی‌آیند و هویتی به عنوان پژوهشگر کسب می‌کنند» (Löfström and Pyhältö, 2012: 2). بنابراین نوشتن پایان‌نامه فقط موضوع کسب دانش نیست بلکه کسب نوعی عضویت در جامعه علمی و به ارث بردن و از آن خود کردن سنت‌ها و رویه‌های علمی و هنجاری عمدتاً از اساتید راهنماست.

«گرچه آموزش اخلاق رسمی برای تزریق دانش هنجارها و سنجه‌های اخلاقی مهم انگاشته می‌شود ... دانشجویان رهنمودها و کدهای اخلاقی را از اساتید راهنما و همکاران ارشدشان به هنگام درگیر شدن در پژوهش یاد می‌گیرند» (Löfström and Pyhältö, 2015: 233). اساتید راهنما برای دانشجویان نقش «الگوهای اخلاقی» را دارند (Gray and Jordan: 2012). دانشجویان به هنگام درگیر شدن با نوشتن پایان‌نامه میراث‌بر سنتی از رویه‌ها و کردارهای پژوهشی می‌شوند و طی آن چالش‌های اخلاقی را می‌شناسند و یاد می‌گیرند چگونه با آن‌ها مواجه شوند (Kitchener, 1992). «راهنمایی رساله میدان بالقوه‌ای را برای شناسایی مسائل و حل آن‌ها به شیوه اخلاقاً قابل دفاعی فراهم می‌کند. باین حال همه

مسائل سرشتی اخلاقی ندارند. از این گذشته مسائل همیشه به شیوه اخلاقاً قابل دفاعی حل نمی‌شوند» (Löfström and Pyhälto, 2012: 1).

۲-۳-۲. راهنمایی اخلاقی و کیفیت پژوهش

غیر از موضوع نهادینه‌شدن هنجارهای اخلاقی، موضوع دیگری که می‌تواند راهنمایی اخلاقی پایان‌نامه و رساله‌ها را برای دانشگاه‌ها دارای اهمیت کند کیفیت خود پژوهش و تحصیلات دانشجوی است. همانند دیگر حرفه‌ها، اخلاق همواره با کیفیت و ارتقای این حرفه و نیز دستاوردهای آن ارتباط داشته است. چنانکه دانشگاه آی‌ان‌ان اشاره می‌کند اخلاق در راهنمایی، مسئله‌ای مربوط به کیفیت تحصیلات است (eng.inn.no). نظارت و راهنمایی اخلاقی پیش‌نیاز پژوهش باکیفیت است چراکه استاد راهنما می‌تواند نقشی حیاتی در ارتقای کیفیت پژوهش ایفا کند (research.csu.edu.au). و طبیعتاً اولین قربانی بدرفتاری و بی‌اخلاقی در راهنمایی غیر از دانشجوی، امر پژوهش است. چنانکه اشاره کردیم چنین نیست که فقط در حرفه راهنمایی و نظارت اخلاق به کیفیت ربط داشته باشد در بقیه حرفه‌ها نیز چنین است. جان چامبرز مدیر شرکت سیسکو، یکی از معروف‌ترین شرکت‌های تولیدکننده سخت‌افزارهای شبکه، می‌گوید «التزامی محکم به اخلاق برای موفقیت طولانی‌مدت ما به عنوان یک شرکت حیاتی است» (Reynolds 2014, 1). بنابراین برای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه به‌عنوان ذینفعانی که در کار پژوهش و تولید دانش‌اند بسیار مهم است که راهنمایی و نظارت در چهارچوبی اخلاقی انجام شود.

۲-۳-۳. رابطه نامتقارن استاد راهنما و دانشجو

«بسیاری از استادان راهنما گمان می‌برند که وقتی آن‌ها با دانشجویانشان پشت یک میز می‌نشینند رابطه آن‌ها تقریباً برابر است. ولی واقعیت بسیار متفاوت از این است. از چشم‌انداز دانشجو رابطه استاد راهنما و دانشجو یکی از نابرابرترین رابطه‌هایی است که می‌توان تصور کرد. اساساً استاد راهنما همه قدرت را در دست دارد» (Kearns and Finn, 2017: 150). رابط نامتقارن یکی از علل طرح‌شدن موضوعات اخلاقی و اساساً یکی از علل بروز مسائل اخلاقی در جریان راهنمایی و نظارت بر پژوهش است. رابطه به نحوی است که معمولاً استاد راهنما قدرت و اقتدار بیشتری دارد و این می‌تواند به برخی از چالش‌های اخلاقی دامن بزند. «رابطه قدرت نامتقارن در نظارت، استاد راهنما را قادر می‌سازد تا از قدرتی که در دست دارد به شکلی گسترده‌ای استفاده کند» (Löfström and Pyhälto, 2012: 3). استاد راهنما معمولاً

دارای دانش بیشتر، روابط بیشتر، جایگاه مستحکم‌تر و غیره است. این همان چیزی است که پام گرین «سیاست موقعیت» می‌نامد: «سیاست موقعیت در درون رابطه راهنمایی تعبیه شده است که یک نهاد سلسله‌مراتبی را میان استاد راهنما و دانشجو ایجاد می‌کند» (Pam 2005, 35-36). این وضعیت سلسله‌مراتبی و عدم تقارن قدرت چنانچه در چهارچوبی اخلاقی هدایت نشود می‌توان از نظر اخلاقی مسئله‌زا باشد. به قول میلر (۲۰۱۳: ۸۴) «تفاوت ذاتی قدرت عضو هیئت علمی و دانشجو» می‌تواند راهنمایی و نظارت را نسبت به بدرفتاری اخلاقی آسیب‌پذیر کند.

چنانکه خواهیم دید برخی از چالش‌های اخلاقی راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها مستقیماً ناشی از این رابطه نامتقارن هستند. به تجربه زیسته یک دانشجوی دکتری در آلمان، که ظاهراً در مقایسه با برخی دیگر از کشورها به‌ویژه در آسیا توجه بیشتری به اخلاق راهنمایی و نظارت می‌دهد، توجه کنیم. سوءاستفاده از رابطه نامتقارن به‌وضوح برای وی چالش اخلاقی ایجاد کرده است:

«من یک دانشجوی دکتری در آلمان هستم.... چیزی هست که من بارها دیده‌ام و تجربه آزاردهنده و خسته‌کننده‌ای است: استادان راهنمای دکتری ... ظاهراً هیچ آموزشی برای این کار ندیده‌اند و اتفاقاً این کار، کار بسیار دشواری است. ظاهراً شنیدن واژگانی چون غرور، کنترل شدید، سوءاستفاده از توانایی دانشجو، بی‌احترامی، و غیره که به استاد راهنما نسبت داده می‌شود کاملاً متداول است. من شخصاً با آن زندگی می‌کنم...» (academia.stackexchange.com).

۲-۳-۴. تعارض منافع در راهنمایی

به علت تکرر نقش‌هایی که استاد راهنما و دانشجو می‌توانند داشته باشد بروز تعارض منافع و علایق طبیعی است. ممکن است استاد راهنما معلم، دوست، همکار، همسر، شریک اقتصادی و غیره دانشجو باشد. تمام این تعارض‌ها ممکن است روند پژوهش و راهنمایی را با مشکل مواجه کنند و به چالش‌های اخلاقی دامن بزنند. چنانکه خواهیم دید تعارض منافع یکی از چالش‌های اخلاقی اصلی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌هاست.

۲-۴. راهنمایی و نظارت بر پژوهش یک حرفه است

حرفه شغل یا فعالیتی است که در آن فرد به واسطه دانش، مهارت و جایگاهی که دارد و همچنین با توجه به اینکه آن دانش و مهارت به نحو حیاتی با منافع عمومی مردم و ارزش‌های اجتماعی مهم گره خورده است، دارای وظایفی می‌شود که آن وظایف ایجاب می‌کنند که فرد در مواردی که منافع شخصی یا سازمانی در مقابل منافع عمومی قرار می‌گیرند منافع عمومی را بر منافع شخصی یا سازمانی ترجیح دهد. به عبارتی دیگر در حرفه منافع عمومی یا خیر عمومی در اولویت قرار دارند. اما در کسب و کار چنین نیست و این منافع شخصی یا سازمانی هستند که بر منافع عمومی ترجیح دارند. پزشکی، وکالت، قضاوت، آتش‌نشانی، سیاستمداری، برخی از شغل‌های مربوط به فناوری اطلاعات، حرفه محسوب می‌شوند؛ و در مقابل بسیاری از شغل‌ها صرفاً کسب و کار هستند از جمله بسیاری از شغل‌های مربوط به بازار.

بنابراین حرفه دو ویژگی مهم دارد: ۱. دانش و مهارت خاص؛ ۲. ارتباط آن دانش و مهارت با منافع مردم و ارزش‌های اجتماعی مهم (مانند نجات جان، عدالت، امنیت، حفظ ثروت ملی و...). و از این روست که حرفه‌مند اخلاقاً موظف می‌شود تا منافع عمومی را در اولویت قرار داد. به قول شولتز «افراد یک حرفه خودشان را به طور نامحدود وقف هدفی و رای نفع شخصی می‌کنند...» (Schultz 2005, 45).

بر این اساس، می‌توان از حرفه‌بودن راهنمایی و نظارت بر پژوهش دفاع کرد. استاد راهنما دارای دانش، مهارت و جایگاه خاصی است و این مهارت با ارزش‌هایی چون حقیقت‌جویی و ارتقای وضعیت علمی کشور و نیز منافع کسانی چون دانشجو، و نهادهایی مانند علم، دانشگاه و وزارت علوم گره خورده است. از این رو گرچه استاد راهنما در جریان راهنمایی پژوهش به برخی از منافع شخصی نیز می‌رسد یا به آن چشم دارد، در انجام راهنمایی پژوهش، منافع ذینفعان بر منافع خود استاد راهنما تقدم دارد. درواقع استاد راهنما با هدف انجام‌شدن یک پژوهش باکیفیت، تربیت یک پژوهش‌گر، و کمک به وضعیت علمی کشور، دست به راهنمایی پژوهش می‌زند و البته در این جریان حقوق و امتیازاتی هم دریافت می‌کند. برعکس آن می‌تواند پیامدهای مخربی داشته باشد که انگیزه نوشتن این پژوهش نیز بوده است. چنانچه استاد راهنما صرفاً با هدف دریافت یک سری حقوق و مزایا دست به انجام راهنمایی پژوهش بزند احتمال اینکه نتیجه کار وی در خدمت اهدافی چون انجام پژوهش باکیفیت، تربیت پژوهشگر، ارتقای وضعیت علمی کشور باشد پایین است.

اصول اخلاقی یک سری اصول راهنمای عملی هستند که در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در موقعیت‌های جزئی نقش بازی می‌کنند. بسته به اینکه شما در فرااخلاق چه موضعی داشته باشید آن‌ها یا توجیه‌شان را از نظریه‌ها یا قواعدی در اخلاق هنجاری می‌گیرند یا بدیهی‌اند و نیازی به توجیه ندارند. این اصول بازتاب‌دهنده بنیادی‌ترین التزامات اخلاقی ما هستند و در نتیجه مقدم بر تشخیص چالش‌های اخلاقی و تدوین کدهای اخلاقی هستند. درواقع احساس چالش و مسئله اخلاقی به این برمی‌گردد که ما ازپیش دارای چنین اصولی هستیم؛ ما چالش اخلاقی را نقض یک یا چند اصل اولیه اخلاق در نظر می‌گیریم.

اصول اخلاقی دست‌کم دارای سه ویژگی هستند (Verweij 2007, 57-58): نخست اینکه اصول دارای نیروی الزام‌آور هستند؛ آن‌ها وظایفی را که در بادی نظر باید انجام شوند بیان می‌کنند بدون اینکه ادعای مطلق بودن آن‌ها را داشته باشند؛ مثلاً ما اصل را بر این می‌گذاریم که نباید دروغ بگوییم بااین‌حال این اصل (اصل صداقت) در هر موقعیتی قابل اعمال نیست. و این فرق اصل و قانون است؛ قوانین گزاره‌هایی مطلق و خدشه‌ناپذیر هستند.^۶ دوم اینکه اصول دارای شکل و ساختاری عام و جهان‌شمول هستند؛ آن‌ها «علی‌الاصول» در همه‌جا و در هرجایی قابل اطلاق‌اند بدون اینکه ادعای مطلق بودن داشته باشند. سوم اینکه اصول بنیادی هستند به این معنی که از دیگر اصول نتیجه نمی‌شوند.

مجموعه اصول اخلاقی که معمولاً در حرفه‌های گوناگون مبنا قرار می‌گیرند دارای اشتراکات زیادی هستند و تفاوت‌های جزئی آن‌ها به تفاوت در حرفه‌ها برمی‌گردد. برخی حرفه‌ها ممکن است بر اساس ویژگی‌هایی خاصی که دارند بر اصول خاصی تأکید کنند و اصول دیگری را نادیده بگیرند. مجموعه اصول زیر را از حرفه‌های پزشکی، روان‌شناسی و مشاوره، فناوری اطلاعات، و پژوهش با هم مقایسه کنید.

پزشکی^۷

^۶ . در حوزه اخلاق کسی که قانونی معرفی می‌کند معتقد است که در هیچ شرایطی این قانون نباید نقض شود. در خارج از حوزه اخلاق (به ویژه در علوم طبیعی) قانون حقیقتی است که اصلاً قابل نقض نیست و اگر نقض شود از قانون بودن می‌افتد و دیگر قانون نیست. مثلاً قانون اول نیوتن تا وقتی که قانون است نقض‌شدنی نیست و اگر نقض شود دیگر قانون نیست.

^۷ . بنگرید به برای نمونه به Gillon 1994

۱. استقلال: بیمار در فکر، قصد و عمل دارای استقلال است و اوست که تصمیم می‌گیرد که آیا دارویی را دریافت کند یا نه. کاری که پزشک می‌کند این است که اطلاعات کامل را در اختیار وی قرار می‌دهد.
۲. عدالت: در توزیع خدمات درمانی باید به شکلی منصفانه با بیماران رفتار شود.
۳. سودرساندن: هدف پزشک باید خیر رساندن به بیمار و جامعه باشد.
۴. آسیب‌نرساندن: باید از هرگونه آسیبی به بیماران اجتناب شود.

روانشناسی و مشاوره^۸

۱. سودرسانی و آسیب‌نرسانی: «روانشناسان می‌کوشند تا به کسانی که با آن‌ها کار می‌کنند نفع برسانند و به آن‌ها آسیب نزنند...».
۲. صداقت و مسئولیت: «روانشناسان روابط مبتنی بر اعتماد را با کسانی که با آن‌ها کار می‌کنند ایجاد می‌کنند. آن‌ها از مسئولیت‌های علمی و حرفه‌ای‌شان در قابل جامعه و جوامع خاصی که در آن‌ها کار می‌کنند آگاهند».
۳. درستی: «روانشناسان در پی ارتقای دقت، صداقت، و اعتماد در علم، تدریس و کردار روانشناسی هستند».
۴. انصاف: «همه اشخاص محق‌اند تا به کمک‌های روان‌شناسی، و به کیفیت برابر فرایندها و رویه‌ها، و خدماتی که توسط روانشناسان انجام می‌شود دسترسی داشته و از آن بهره بگیرند».
۵. احترام به حقوق و کرامت افراد: «روانشناسان به کرامت و ارزش‌های همه افراد، و حق داشتن حریم خصوصی‌ها، رازداری و خود-تصمیمی احترام بگذارند».

فناوری اطلاعات (اصول ای‌سی‌ام)^۹

^۸ . اخلاقی ای‌پی‌ای، ۲۰۱۷ (انجمن روان‌شناسی آمریکا) (www.apa.org)

^۹ . www.acm.org

۱. با تصدیق به اینکه همه مردم ذینفعان کار با رایانه هستند در نیک‌بودی انسان و جامعه سهیم باشید.
۲. از آسیب زدن اجتناب کنید.
۳. صادق و امین باشید.
۴. منصف باشید و تبعیض اعمال نکنید.
۵. از کارهایی که برای تولید ایده‌های جدید، ابداعات و کارهای خلاقانه لازم هستند حمایت کنید.
۶. حریم خصوصی را پاس بدارید.
۷. رازدار باشید.

پژوهش^{۱۰}

۱. احترام به اشخاص: همه مشارکت‌کنندگان در پژوهش باید آزادانه و بدون اجبار مشارکت کنند و حقوق و کرامت و استقلالشان محترم شمرده شود.
۲. سودرسانی و آسیب‌نرسانی: پژوهشگران باید در پی بیشینه کردن منفعت و کمینه کردن آسیب به مشارکت‌کنندگان و پژوهشگران باشند.
۳. عدالت: پژوهشگران باید در انتخاب و برخورد با مشارکت‌کنندگان رفتاری برابر و منصفانه داشته باشند.
۴. توافق آگاهانه: همه مشارکت‌کنندگان و پژوهشگران باید از مشارکت در پژوهش و ماهیت پژوهش آگاه باشند و با آن موافق باشند.
۵. رازداری و حفاظت از داده: داده‌ها و هویت مشارکت‌کنندگانی که می‌خواهند (یا باید) محرمانه باقی بمانند باید حفظ شوند.
۶. راستی و درستی:^{۱۱} پژوهش باید بر اساس سنجه‌های راستی و درستی، طراحی، انجام و ارزیابی شود. داده‌سازی و سرقت ادبی نمونه‌های نقض راستی و درستی در پژوهش هستند.

^{۱۰} . دانشگاه لندن (www.city.ac.uk)

۷. تعارض منافع: استقلال پژوهش باید مشخص باشد و هرگونه تعارض منافع یا سوگیری باید تصریح شود.

چنانکه پیداست این اصول اشتراکات زیادی با هم دارند؛ اصول سودرساندن، آسیب‌نرساندن، عدالت، صداقت، مسئولیت‌پذیری و احترام در همه حرفه‌ها وجود دارد. بااین‌حال حرفه‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص خودشان، ممکن است روی بعضی اصول دیگر نیز تأکید کنند که مورد توجه حرفه‌ای دیگر نباشد. مثلاً استقلال برای حرفه‌های پزشکی و مشاوره مهم است درحالی‌که برای حرفه فناوری اطلاعات چندان وجهی ندارد. یا تصریح تعارض منافع برای حرفه پژوهش اهمیت زیادی دارد اما برای دیگر حرفه‌ها چندان وجهی ندارد.

نظارت بر پژوهش؟

در مورد راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها چگونه؟ به نظر می‌رسد اصول کم‌ویش مشابهی بر این حرفه نیز حاکم‌اند. کیچنر (۱۹۸۴) پنج اصل ۱. آسیب‌نرساندن؛ ۲. سودرساندن؛ ۳. احترام به استقلال دیگران؛ ۴. منصف بودن؛ ۵. متعهد بودن را معرفی کرد که در اخلاق روان‌شناسی و مشاوره، کسب‌وکار، پژوهش، راهنمایی و نظارت نیز مبنا قرار گرفته است. گودیر و دیگران (۱۹۹۲) و لافستروم و فیالتو (۲۰۱۵) در پژوهش‌شان که راجع به اخلاق راهنمایی و نظارت پژوهش است این اصول را مبنای کار خود قرار داده‌اند. برگرن و دیگران اصولی مانند مراقبت، کرامت، مسئولیت و فضیلت (Berggren et al. 2005) را تشکیل‌دهنده ارزش‌های نظارت پرستاری بالینی می‌دانند که کسانی دیگری (Severinsson 2015) از آن در نظارت بر پژوهش استفاده کرده‌اند. کاربست‌پذیر بودن این اصول در نظارت بر پژوهش تا حدی زیادی روشن است. استاد راهنما تاحدی دانشجو و کاری وی را مورد مراقبت و پایش قرار می‌دهد. کرامت وی را حفظ می‌کند. در قبال وی مسئولیت‌ها و وظایفی دارد. و نیز از بینش و داوری‌های فضیلت‌مندانه‌اش برای بهبود کار وی استفاده می‌کند.

با این حال به نظر ما می‌توان مجموعه اصول کامل‌تری را مبنای کار قرار داد. ما در این پژوهش به دلایلی اصول یا وظایف در بادی نظر سر دیوید راس (۱۹۳۹) را در نظر خواهیم گرفت و به آن یک اصل دیگر را نیز اضافه خواهیم کرد. راس هفت اصل یا وظیفه در بادی نظر را معرفی می‌کند:

۱. اصل خیررسانی^{۱۲}؛ به دیگران یاری برسانید.
۲. اصل آسیب‌نرساندن^{۱۳}؛ به دیگران صدمه نزنید.
۳. اصل صداقت^{۱۴}؛ صادق باشید، و به وعده‌هایتان عمل کنید.
۴. اصل جبران^{۱۵}؛ اشتباهات خود را جبران کنید.
۵. اصل قدردانی^{۱۶}؛ از کسانی که به شما نیکی می‌کنند سپاسگزار باشید.
۶. اصل خودبهبودی^{۱۷}؛ توانایی‌های خود را افزایش دهید و استعدادهای خود را شکوفا کنید.
۷. اصل عدالت؛ در ارزیابی‌ها و توزیع مسئولیت و مزایا منصف باشید.

در نظر راس این وظایف کلی و حداقلی هستند؛ کلی به این معنا که این اصول عمیق‌ترین و پایه‌ترین التزامات اخلاقی ما را بیان می‌کنند و در هر ساحتی قابل اطلاق‌اند و در نتیجه همه حرفه‌ها را دربر می‌گیرند. حداقلی به این معنا که این هفت اصل، مبنای مشترک کمینه‌ای را فراهم می‌کنند و ممکن است

^{۱۲} Beneficence؛ سودرسانی یا دستگیری.

^{۱۳} non-maleficence

^{۱۴} Fidelity. راس راستگویی را نیز نوعی عمل به وعده یا وفاداری می‌داند (Ross 2003, 21)؛ وقتی من وارد یک گفتگو با کسی دیگر می‌شوم به شکل ضمنی متعهد می‌شوم که در بیان سخن راستگو باشم. یا کسی که یک واقعیت را گزارش کند (یک مورخ، خبرنگار و...)، قرار بر این است که در گزارش جزئیات آن صادق باشد، یا به اصطلاح به واقعیت‌ها «وفادار» باشد. از این رو Fidelity هم به معنای راستگویی (honesty) است هم وفاداری (loyalty) و عمل به وعده (keeping promise).

^{۱۵} Reparation

^{۱۶} Gratitude

^{۱۷} Self-improvement

بر اساس ویژگی‌های یک حرفه خاص اصول دیگری را به نیز اضافه کرد. وی ادعای کامل بودن و نهایی بودن اصولش را ندارد (Ross 2003, 23).

این ۷ اصل در حرفه راهنمایی و نظارت پژوهش می‌تواند مبنای حداقلی اخلاقی استاد راهنما و دانشجو باشد. اجازه دهید به ترتیب نحوه کاربست آن‌ها را در این حرفه توصیف کنیم؛ ۱. استاد راهنما باید تمام دانش و مهارت خویش را در جهت کمک به دانشجو و پژوهش وی قرار دهد. البته قبلاً اشاره کردیم که فرایند راهنمایی پژوهش صرفاً یک فرایند یادگیری یک‌طرفه نیست؛ دانشجو و استاد راهنما از همدیگر یاد می‌گیرند. بنابراین این اصل مبنای کار دانشجو نیز هست. دانشجو که در حال کاوش مبحث و موضوع جدیدی است می‌تواند در عین اینکه از دانش و مهارت استاد راهنما استفاده می‌کند به غنی‌تر شدن دانش و مهارت‌های وی نیز کمک کند. ۲. استاد راهنما و دانشجو در جریان انجام کار باید از هرگونه آسیبی، چه روانی، چه فیزیکی، چه اقتصادی و حیثیتی به یکدیگر پرهیز کنند. راهنمایی باید در فضایی کم‌تنش و آرام پیش برود. ۳. استاد راهنما باید درباره علاقه‌مندی‌ها، دانش و مهارت‌های خود صادق باشد و به وعده‌های خود عمل کند. دانشجو نیز باید موظف است با استاد راهنما صادق باشد و به وعده‌هایش عمل کند؛ به‌ویژه کارش را بر اساس مهلت‌ها و جدول زمانی پیش‌بینی‌شده انجام دهد. داشتن تعهد کاری بخشی از اصل صداقت (عمل به وعده) می‌تواند شمرده شود. ۴. استاد راهنما و دانشجو موظف‌اند کوتاهی‌های خود را در جریان انجام پژوهش در اولین فرصت جبران کنند. این یعنی اینکه استاد راهنما و دانشجو باید در قابل همدیگر مسئولیت‌پذیر باشند. ۵. دانشجو باید قدردان زحمات راهنمایی‌های استاد راهنما باشد؛ این قدردانی در بهبود فضای کار استاد و دانشجو بسیار مؤثر خواهد بود. استاد راهنما نیز باید برای دانش جدیدی که از طریق دانشجو در اختیار وی قرار می‌گیرد قدردان باشد. ۶. فرایند راهنمایی و انجام پژوهش، یک فرایند خودبهبودی است. استاد راهنما موظف است برای اینکه بتواند راهنمایی‌ها و توصیه‌های مؤثری در اختیار دانشجو بگذارد وضعیت علمی خود را بهبود ببخشد. چنانکه خواهیم دید دانش ناکافی یا ناآشنایی استاد راهنما با چندوچون کار دانشجو می‌تواند آسیب‌زا باشد. دانشجو نیز باید از فرصت انجام پژوهش و دریافت راهنمایی، حداکثر استفاده را برای بهبود وضعیت علمی و منشی خود بکند. ۷. استاد راهنما باید رویکرد منصفانه‌ای نسبت به دانشجو اتخاذ کند؛ هرگونه تبعیض برای اساس جنسیت، قومیت و باورهای دینی و سیاسی دانشجو، مشکل اخلاقی دارد. همچنین استاد راهنما نباید

درخواست غیرمنصفانه‌ای درباره ترتیب اسامی مؤلفان مقاله مستخرج از رساله یا پایان‌نامه داشته باشد. دانشجو نیز باید در مورد ارزیابی کار و زحمات استاد راهنما، منصف باشد.

دلیل انتخاب اصول راس، در وهله نخست، جامع بودن آن‌هاست. باتوجه به بررسی ادبیات موضوع و استخراج مواردی که چالش‌های اخلاقی نظارت و راهنمایی پژوهش خوانده شده‌اند و نیز تحلیل و بررسی مؤلفه‌های خود راهنمایی و نظارت به نظر می‌رسد اصول راس در مقایسه با اصولی مانند اصول کیچنر بهتر می‌تواند التزامات عمیق اخلاقی ما را فراچنگ آورند و بهتر می‌تواند مبنایی برای چالش‌های اخلاقی و در نتیجه کدهای اخلاقی تدوین شده باشند. اصولی مانند جبران، قدردانی، و خودبهبودی، می‌توانند نقش مهمی در راهنمایی هرچه بهتر پژوهش بازی کنند، اصولی که در دیگر مجموعه اصول غایب‌اند.

برای تکمیل این هفت اصل در کاربست‌شان در حرفه راهنمایی پژوهش به نظر می‌رسد می‌توان اصل احترام را نیز اضافه کرد. اصولی چون مسئولیت‌پذیری یا تعهد، چنانکه اشاره کردیم به طور ضمنی در اصول صداقت (و عمل به وعده یا تعهد) و اصل جبران طرح شده‌اند. کسی که صداقت (fidelity) دارد به وعده‌ها و تعهداتی که دارد عمل می‌کند. همچنین کسی که در پی جبران خطاها و کوتاهی‌های خود است در قبال دیگران احساس مسئولیت می‌کند. اما در مورد اصل احترام:

۸. اصل احترام؛ به استقلال، ارزش‌ها، شخصیت، و حریم خصوصی دیگران احترام بگذارید.

استاد راهنما و دانشجو باید به استقلال رأی، ارزش‌ها، شخصیت و حریم خصوصی همدیگر احترام بگذارند. این اصل باتوجه به رابطه نامتقارن استاد راهنما و دانشجو اهمیت دوچندانی می‌یابد. هرگونه تحمیل دیدگاه و ارزش‌ها از سوی استاد راهنما می‌تواند مخرب باشد. «مهم است که استادان راهنما به دیدگاه‌ها و باورهای دانشجو احترام بگذارند مگر اینکه این باورها اعتبار پژوهش را خدشه‌دار کند» (Miller 2013, 88). همچنین استاد راهنما و دانشجو باید کرامت همدیگر را حفظ کنند و حریم خصوصی یکدیگر را پاس بدارند.

شاید کسی بگوید که اصل دوم راس یعنی اصل آسیب‌نرساندن می‌تواند اصل هشتم را پوشش دهد: هرگونه بی‌احترامی منجر به آسیب‌زدن می‌شود. و باتوجه به اینکه یکی از ویژگی‌های اصل بودن این است

که از دیگر اصول استنتاج نشود، نیازی به اضافه کردن اصل احترام نیست. این استدلال، مبتنی بر یک پیامدگرایی صرف است و برای کسانی که پیامدگرایی صرف نیستند، ازجمله راس، چندان پذیرفتنی نیست. بی‌احترامی، ازجمله نقض حریم خصوصی، یا تحمیل ارزش‌ها و دیدگاه‌ها ممکن است به آسیب مشخصی منجر نشود با این حال می‌توان کماکان از غیراخلاقی بودن آن دفاع کرد. فرض کنید کسی صرفاً از سر کنجکاوی حریم خصوصی کسی دیگر را نقض می‌کند و در این جریان هیچ آسیبی به فرد مورد نظر نرسد و اصلاً وی هیچ‌گاه از نقض شدن حریم خصوصی‌اش آگاه نشود. آیا این عدم آسیب، نقض حریم خصوصی را توجیه می‌کند؟ به نظر نمی‌رسد. ما این هشت اصل را مبنای کار خود در این پژوهش قرار خواهیم داد و بر اساس آن‌ها چالش‌های اخلاقی راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه و رساله‌ها را شناسایی خواهیم کرد.

۲-۶. اهمیت متفاوت اصول اخلاقی

هشت اصل فوق، رابطه سلسله‌مراتبی با هم ندارند و نیز دارای یک اندازه اهمیت نیز نیستند. بعضی از اصول الزام‌آورتر از بقیه به نظر می‌رسند. راس نیز به همین نکته اشاره می‌کند (Ross 2003, 21-22)؛ مثلاً در نظر وی اصل آسیب‌نرساندن بر اصل دستگیری و برخی دیگر از اصول ترجیح دارد. اگر کسی برای خیررساندن به دیگران، منافع افراد دیگر را قربانی کند عمل وی در بسیاری از شرایط غیراخلاقی به نظر می‌رسد. «ما نباید در حالت کلی کشتن کسی برای زنده‌نگه‌داشتن کسی دیگر، یا دزدیدن از کسی برای خیرات کردن به کسی دیگر را مجاز بدانیم» (ibid, 22).

همچنین اصل آسیب‌نرساندن دو وجه ایجابی و سلبی دارد؛ وجه سلبی آن این است که ما نباید از طریق کنش‌های خود به دیگران آسیب بزنیم (سلبی اشاره به کارهایی دارد که نباید بکنیم). وجه ایجابی آن این است که ما باید کاری کنیم که از آسیب به دیگران جلوگیری کنیم. یعنی اگر آسیبی نه از جانب ما بلکه از جانب کسی یا چیزی دیگر متوجه فردی بود، موظفیم از آن آسیب جلوگیری کنیم. فیلیپا فوت می‌گوید که در این میان، وظایف سلبی بر وظایف ایجابی تقدم دارند: «خودداری از صدمه زدن الزام‌آورتر از جلوگیری از صدمه خوردن دیگران است، که البته این به معنای آن نیست که این وظیفه اخیر الزام‌آور نیست» (Foot 2003, 29).

البته سخن فوق به معنای آن نیست که همیشه آسیب‌نرساندن بر کمک کردن ترجیح دارد. خود راس هم می‌گوید «در حالت کلی» چنین است. کنشگران اخلاقی همواره در موقعیت‌های گوناگون دست به سبک‌وسنگین کردن اصول می‌زنند و در دوراهی‌های اخلاقی ممکن است یک اصل را قربانی اصلی دیگر بکنند.

غیر از الزام‌آورتر بودن کلی برخی از اصول، بر اساس موقعیت اجتماعی، حرفه، و نیز افراد ذینفع، این اصول می‌توانند دارای درجات اهمیت متفاوتی باشند. ممکن است دانشجویان و استادان راهنما از میزان اهمیت اصول اخلاقی درک متفاوتی داشته باشند. لافستروم و فیالتو در پژوهشی چنین تفاوتی را میان دانشجویان دکتری و استادان راهنما را شناسایی کرده‌اند (Löfström and Pyhältö 2015). آن‌ها با مبنای قرارداد اصول اخلاقی کچینر نشان می‌دهند که برای استادان راهنما آسیب‌نرساندن و برای دانشجویان دکتری سودرسانی در درجه اهمیت بالاتری است و از بین چالش‌های اخلاقی شناسایی شده توسط آن‌ها (۵۵ چالش برای استادان راهنما و ۱۰۲ چالش برای دانشجویان دکتری) بیشترین نقض در نظر آن‌ها به ترتیب متوجه این دو اصل بوده است (جدول شماره ۱).

جدول ۱-۲: اهمیت متفاوت اصول اخلاقی از نگاه استادان و دانشجویان (Löfström and Pyhältö ۲۰۱۵)

دانشجویان دکتری	استادان راهنما	
۱۷ (۱۷)	۲۹ (۵۳)	آسیب‌نرساندن
۳۵ (۳۴)	۱۲ (۲۱)	سودرسانی
۱۲ (۱۲)	۵ (۹)	استقلال
۲۶ (۲۵)	۷ (۱۳)	صداقت

۱۲ (۱۲)	۲ (۴)	عدالت
۱۰۲ (۱۰۰)	۵۵ (۱۰۰)	جمع

این جدول نشان می‌دهد که برای استادان راهنما مهم است که در وهله نخست به دانشجوی آسیب نرسانند و بیشترین چالش اخلاقی (بیش از نصف موارد) را در آسیب‌رسانی به دانشجوی دیده‌اند. اما برای دانشجویان دکتری در وهله نخست سودرسانی استاد راهنما اهمیت دارد (بیش از یک‌سوم چالش‌های اخلاقی مربوط به نقض این اصل بوده‌اند). این تفاوتِ تصورات، انتظارات و چشم‌اندازها نتایج جالب توجهی در پی دارد. مثلاً یک استاد راهنما در صورت آسیب نرساندن به دانشجوی ممکن است راهنمایی خود را تاحد زیادی اخلاقی به شمار آورد حتی اگر سود و خیر چندانی به دانشجوی نرسانده باشد اما برای دانشجوی چنین چیزی برعکس است.

چند نکته درباره این پژوهش لافستروم و فیالتو وجود دارد که اشاره به آن‌ها خالی از لطف نیست. اولاً با توجه به رابطه نامتقارن استاد راهنما و دانشجوی، چنین تفاوت در کی قابل‌فهم به نظر می‌رسد. اساتید راهنما می‌توانند همواره در معرض این اتهام باشند که از قدرت و اعتبارشان سوءاستفاده کرده‌اند و به دانشجوی آسیب رسانده‌اند. در نتیجه طبیعی است که اساتید راهنما به اصل آسیب‌نرساندن حساسیت بیشتری نشان دهند و برای آن‌ها مهم‌تر و الزام‌آورتر جلوه کند. ثانیاً به نظر می‌رسد این پژوهش در فضایی انجام شده است که دانشجویان احساس امنیت بیشتری در مقابل اساتید خود می‌کنند. در غیر این صورت، با توجه به اینکه در حالت کلی آسیب‌نرساندن الزام‌آورتر از سودرسانی است، دانشجویان نیز باید اصل آسیب‌نرساندن را مهم‌تر از اصل سودرسانی می‌دانستند. این قضیه را می‌توان کم‌ویش با رابطه دولت و مردم مقایسه کرد. اگر شهروندان، با توجه به وجود قوانین عادلانه و نهادهای حقوقی مستقل، در مقابل حکومت احساس امنیت کنند در این صورت توجه آن بیشتر به دریافت بهتر و بیشتر خدمات از دولت خواهد بود (سودرسانی). اما اگر چنین امنیتی وجود نداشته باشد، برای آن‌ها در وهله نخست مهم این خواهد بود که از سوی دولت به آن‌ها آسیبی نرسد.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۳۰

ما در فصل بعد اصول هشتگانه طرح‌شده (اصول راس + اصل احترام) را مبنای کار خود قرار خواهیم داد و بر اساس آن چالش‌های راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه و رساله‌ها را شناسایی خواهیم کرد.

فصل سوم

چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

۳-۱. مقدمه

مانند هر حرفه‌ی دیگری، حرفه راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها چالش‌های اخلاقی خود را دارد. چنانکه قبلاً اشاره کردیم اینکه ما احساس چالش اخلاقی می‌کنیم ناشی از نقض اصول اخلاقی‌ای است که در ما نهادینه شده‌اند. کاری که در این پژوهش و در راستای رسیدن به کدهای اخلاقی انجام دادیم این است که نخست از ادبیات موضوع چالش‌های اخلاقی این حرفه را استخراج کردیم. ادبیات موضوع ما هم شامل پژوهش‌هایی بوده است که در این حوزه انجام شده‌اند و هم شامل آیین‌نامه‌های اخلاقی و انضباطی مربوط به راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در چندین دانشگاه معتبر در سراسر جهان. دانشگاه‌های ادینبور، کمبریج، شفیلد، گلاسکو اسکاتلند، اکستر، مانس استرالیا، دانشگاه هلسینکی فنلاند، منچستر، لوند سوئد، برگن نروژ، دانشگاه ای‌ان‌ان^{۱۸} نروژ، و موسسه دانشگاه اروپایی^{۱۹} از جمله دانشگاه‌هایی بودند که مورد بررسی قرار گرفتند. در این فصل پس از طرح اصلی‌ترین چالش‌های اخلاقی راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، از طریق روش دلفی ارتباط این چالش‌ها را با زمینه دانشگاهی

¹⁸ .Inland Norway University

¹⁹ .EUROPEAN UNIVERSITY INSTITUTE

ایران خواهیم سنجید. درواقع هدف ما این است که به این پرسش پاسخ دهیم که آیا چالش‌های موردنظر در زمینه دانشگاهی ایران هم وجود دارند؟ اگر پاسخ مثبت است درجه ارتباط آن‌ها چقدر است؟

۲-۳. چالش‌های اخلاقی راهنمایی پژوهش

گودیر و دیگران (Goodyear et. al 1992) از معدود پژوهش‌هایی است که مستقیماً به چالش‌های اخلاقی راهنمایی دانشجویان پرداخته است. آن‌ها ۹ مقوله مسئله اخلاقی را شناسایی کرده‌اند که به‌نظر جامع‌ترین دسته‌بندی‌ای است که از چالش‌های اخلاقی راهنمایی پژوهش ارائه شده است:

۱. راهنمایی فاقد صلاحیت؛^{۲۰} استاد راهنما دانش و مهارت کافی برای راهنمایی پژوهش را ندارد.
۲. راهنمایی ناکافی؛^{۲۱} استاد راهنما به‌اندازه کافی خود را درگیر کار دانشجو نمی‌کند.
۳. رهاسازی؛^{۲۲} در وسط کار استاد راهنما، راهنمایی را رها می‌کند یا علاقه‌اش را از دست می‌دهد.
۴. تحمیل ارزش‌ها و دیدگاه‌ها؛ استاد راهنما دیدگاه‌های خود را به دانشجو تحمیل می‌کند. آن‌ها مثال استادی را می‌زنند که اصرار می‌کند که دانشجویش در تحلیل و مطالعه یک رخداد تجاوز رویکردی فمینیستی داشته باشد (همان، ۲۰۶).
۵. سورتار؛^{۲۳} هرگونه بدرفتاری ازجمله آزار جنسی و غیرجنسی، تحقیر، فحاشی، بدگویی، تنبیه.
۶. سوءاستفاده/ استثمار؛^{۲۴} استاد راهنما، دانشجو را درگیر کارهای شخصی خودش می‌کند.
۷. رابطه دوگانه؛ استاد وارد رابطه‌ای عاطفی با دانشجو می‌شود. «استاد مشاور پایان‌نامه و دانشجو درگیر رابطه عاطفی بودند، اما رابطه پایان خوشی نداشت، آن‌ها جدا شدند و استاد دانشجو را در طول انجام پایان‌نامه و نوشتن متن بسیار اذیت کرد» (همان، ۲۵).

²⁰ .incompetent

²¹ .inadequate

²² .Abandonment

²³ . abusive supervision

²⁴ .exploitive supervision

۸. تشویق به تقلب: استاد دانشجو را تشویق به داده‌سازی می‌کند. «...دانشجو یک پیمایش خانه‌به‌خانه انجام می‌داد. عضو هیئت علمی به وی گفته بود که اگر کسی خانه نبود خودش داده سرهم کند» (همان).

۹. مسائل مربوط به تألیف و مالکیت فکری: نمونه‌ها: ۱. استاد ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند؛ ۲. استاد دانشجو را مجبور می‌کند که نام وی به عنوان نویسنده اول مقاله بیاید؛ ۳. استاد دانشجو را مجبور می‌کند که بخشی از پژوهش شخصی‌اش را انجام دهد (سایه‌نویسی). بنابراین مواردی چون سرقت ادبی، سایه‌نویسی، ندادن اعتبار تألیف، یا دادن اعتبار تألیف ناموجه در انتشار مقالات از مصادیق این چالش هستند (Goodyear et. al 1992).

اجازه دهید ببینیم این چالش‌ها کدام یک از اصول هشتگانه را نقض می‌کنند. هر یک از این چالش‌ها با درجات گوناگونی یک یا چند اصل اخلاقی را نقض می‌کنند: اصل سودرسانی (چالش‌های ۱-۴)؛ اصل آسیب‌نرساندن (با درجات متفاوت همه چالش‌ها)؛ صداقت (چالش‌های ۲، ۳، ۸ و ۹)؛ جبران (در تمام این چالش‌ها چنانچه استاد راهنما کوتاهی و قصور خود را در اولین فرصت ممکن جبران نکند اصل جبران را نیز نقض کرده است؛ مثلاً استاد راهنمایی را در نظر بگیرید که پس از اینکه برای مدتی راهنمایی را رها می‌کند با تلاش مضاعف در پی جبران خلأ ایجادشده برمی‌آید. در این صورت وی گرچه اصل آسیب‌نرساندن را نقض کرده است اما با اصل جبران تا حدی این آسیب را جبران کرده است. در صورتی که وی چنین نکند وی هم‌زمان هر دو اصل اخلاقی را نقض کرده است)؛ اصل قدردانی (تا حدی چالش ۵)؛ اصل خودبهبودی (چالش ۴)؛ تحمیل دیدگاه و ارزش‌ها اجازه مواجهه با دیدگاه‌ها و ایده‌های جدید را نمی‌دهد و در نتیجه ممکن است به انجماد علمی استاد بیانجامد؛ همچنین مواردی از چالش‌های ۸ و ۹ می‌تواند پیروی دانشجو از این اصل را با مشکل مواجه کند)؛ اصل عدالت (چالش ۹)؛ اصل احترام (چالش‌های ۴، ۵، ۶ و ۹).

^{۲۵} . گرچه گودیر و دیگران این مقوله را رابطه عاطفی و جنسی ولی رابطه دوگانه فراتر از این است. رابطه دوگانه شامل هر رابطه موازی دیگری غیر از راهنمایی می‌شود که ممکن است به فرایند پژوهش دانشجو لطمه بزند از جمله روابط جنسی، عاطفی، اقتصادی، حزبی و سیاسی. م

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۳۵

لافتروم و فیالتو (۲۰۱۵)، ۱۶ نوع چالش اخلاقی راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه و رساله را ذکر کرده‌اند که در موارد زیادی با چالش‌های گودیر و دیگران همپوشانی دارند:

۱. سوءاستفاده و سورتار؛
۲. اختصاص ناروا؛ استاد راهنما بخشی از کار دانشجوی را به خود نسبت می‌دهد.
۳. رابطه دوگانه؛
۴. مسائل مربوط به بهزیستی^{۲۶} و رضایت دانشجوی
۵. نبود فرهنگ جمعی^{۲۷}
۶. صلاحیت استاد راهنما
۷. مسائل ساختاری؛ مسائل مرتبط به قوانین و آیین‌نامه‌های دانشگاه
۸. مرزهای میان نقش/حمایت استاد راهنما
۹. تحمیل دیدگاه‌های استاد راهنما
۱۰. محدود و مضیق بودن نگرش‌ها و چشم‌اندازها
۱۱. خواسته‌های متعارض^{۲۸}؛ استاد راهنما میان هدایت کردن دانشجوی و آزاد گذاشتن وی احساس تعارض می‌کند.
۱۲. رهاسازی؛
۱۳. راهنمایی و نظارت ناکافی
۱۴. بی‌احترامی
۱۵. نابرابری
۱۶. تألیف و مالکیت نامنصفانه

²⁶ . well-being

²⁷ . collective culture

²⁸ .conflicting demands

چنانکه پیداست بخش عمده این چالش‌ها همان چالش‌های گودیر و دیگران هستند. چالش‌های اضافه‌شده به‌نظر می‌رسد مشکلاتی دارند. اولاً برای برخی از این چالش‌ها هیچ توضیح کافی‌ای در متن وجود ندارد. مثلاً موارد ۴، ۵، ۸ و ۱۵ مبهم‌اند. می‌توان حدس زد که احتمالاً منظور از فرهنگ جمعی، توانایی همکاری و کار جمعی استادان راهنما و دانشجو باهم است بااین حال لافستروم و فیالتو توضیحی نمی‌دهند.

دوماً در مورد مستقل بودن برخی از این چالش‌ها تردید وجود دارد. مثلاً می‌توان ادعا کرد که بهزیستی و رضایت دانشجو تا جایی که به ارتباط استاد راهنما و دانشجو برمی‌گردد معلول نبود دیگر چالش‌هاست و در غیر این صورت چالش اخلاقی راهنمایی پژوهش به‌حساب نمی‌آید. بنابراین نیازی به طرح مستقل آن نیست. همچنین نویسندگان اختصاص ناروا را به عنوان یک چالش مستقل آورده‌اند. بااین حال به‌نظر می‌رسد اختصاص ناروا صرفاً یکی از مصادیق سوءاستفاده (چالش نخست)، یا تألیف یا مالکیت نامنصفانه (چالش شانزدهم) باشد.

سوماً برخی از این چالش‌ها یا اصولاً ماهیتی اخلاقی ندارند یا مربوط به رابطه استاد راهنما و دانشجو نیستند. مثلاً مسائل ساختاری لزوماً به ارتباط استاد راهنما و دانشجو مرتبط نمی‌شوند. همچنین معلوم نیست خواسته‌های متعارض چگونه یک چالش اخلاقی است؛ به‌نظر می‌رسد این مسئله دوراهی اخلاقی باشد تا مسئله یا چالش اخلاقی. استاد راهنما به‌صرف اینکه در چنین تنشی به‌سر می‌برد مرتکب هیچ نقض اصول اخلاقی نشده است و وجود چنین تنش‌هایی در این حرفه کاملاً طبیعی است در ادامه به این مسئله بازخواهیم گشت.

برای رسیدن به یک مجموعه مشخص و نسبتاً جامع از چالش‌ها بررسی منابع و آیین‌نامه‌های دانشگاه‌های متعدد تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی ادامه پیدا کرد. در این بررسی‌ها چهار نوع چالش اخلاقی دیگر شناسایی شدند که مستقیماً در چالش‌های گودیر و دیگران و لافستروم و فیالتو ذکر نشده‌اند:

۱. عدم اعلام تعارض منافع و علایق (دانشگاه مانس؛ Miller, 2013)

۲. عدم تعیین مسئولیت‌ها و نقش‌ها در گروه راهنمایی (دانشگاه لوند)

۳. عدم هماهنگی میان استادان راهنما (دانشگاه ادینبوراً^{۲۹})

۴. دریافت هدایایی توسط استاد راهنما که می‌تواند روی فرایند نظارت تأثیر بگذارد (دانشگاه برگن؛ دانشگاه ای‌ان‌ان، دانشگاه لوند^{۳۰}).

البته در این میان شاید بتوان موارد ۲ و ۳ را به چالش «نبود فرهنگ جمعی» لافستروم و فیالتو ربط داد. یا دست کم می‌توان با این دو چالش از آن رفع ابهام کرد. ما بر اساس مجموعه چالش‌های به دست آمده مجموعه‌ای متشکل از ده چالش اصلی را معرفی کردیم. برخی از این چالش‌ها همان چالش‌های گودیر و دیگران هستند. با این حال ما مقوله‌بندی نسبتاً جدیدی از چالش‌ها ارائه کردیم. در این مقوله‌بندی برخی از چالش‌های گودیر و دیگران ذیل چالش‌های دیگری قرار گرفته‌اند و همچنین چالش‌های جدیدی نیز اضافه شده‌اند. ما برای هر چالش دست کم دو نمونه، باز برگرفته از مجموعه پژوهش‌ها و آیین‌نامه‌های دانشگاه‌ها و نیز مصاحبه و گفتگو با دیگر پژوهشگران همکار، ذکر کرده‌ایم تا بتوان تصور نسبتاً روشنی از این چالش‌ها داشت. جدول شماره ۲ این چالش‌ها، نمونه‌های آن‌ها و نیز اصول اخلاقی‌ای را که این چالش‌ها نقض می‌کنند نمایش می‌دهد. مجموعه اصول مدنظر ما همان مجموعه سر دیوید راس هستند:

جدول شماره ۳-۱: چالش‌ها و اصول اخلاقی در معرض نقض

ردیف	چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها/رساله‌ها	اصول اخلاقی در معرض نقض
۱	دانش ناکافی	اصل خیررسانی؛ اصل

²⁹ . www.ed.ac.uk

³⁰ . www.lth.se

آسیب‌نرساندن؛ اصل صداقت؛ اصل خودبهبه‌سازی	استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد.	نمونه‌ها
	استاد راهنما/مشاور هنگام شروع راهنمایی/مشاوره با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.	
اصل خیررسانی؛ اصل آسیب‌نرساندن،	تضاد منافع	۲
	استاد راهنما با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.	نمونه‌ها
	استاد راهنما با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.	
	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	
	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	
اصل خیررسانی؛ اصل آسیب‌نرساندن؛ اصل خودبهبه‌سازی؛ اصل قدردانی	تحمیل دیدگاه	۳
	استاد راهنما دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند.	نمونه‌ها
	موضوع پژوهش به دانشجو تحمیل می‌شود.	
اصل خیررسانی، اصل آسیب‌نرساندن، اصل خودبهبه‌سازی؛ اصل قدردانی	عدم انعطاف و گشودگی	۴
	استاد راهنما در برابر طرح ایده‌های جدید دانشجو مقاومت می‌کند.	نمونه‌ها
	استاد راهنما کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	
اصل خیررسانی، اصل	مدیریت نادرست	۵

آسیب‌نرساندن، اصل عدالت	نمونه‌ها	برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.
		محتوای جلسات ثبت نمی‌شود (در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/راهنمایی‌ها/مشاوره‌ها وجود دارد)
		هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.
		استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.
اصل خیررسانی، اصل آسیب‌نرساندن؛ اصل عدالت؛ اصل جبران، اصل صداقت	۶	نظارت ناکافی
	نمونه‌ها	استاد راهنما برخلاف برنامه توافق شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.
		استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند.
		استاد راهنما ارزیابی‌ای تفصیلی/جزئی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.
		برخلاف برنامه زمانی توافق شده، کار دانشجو را با تأخیر بررسی می‌شود.
		نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/رساله را برای مدتی رها می‌شود.
اصل آسیب‌نرساندن، اصل صداقت؛ اصل جبران؛ اصل قدردانی	۷	سوءرفتار
	نمونه‌ها	استاد راهنما به شخصیت و کرامت دانشجو احترام نمی‌گذارد.
		اطلاعات محرمانه دانشجو می‌شود.
اصل آسیب‌نرساندن، اصل	۸	رابطه دوگانه

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴۰

صدافت، اصل عدالت	استاد راهنما با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود.	نمونه‌ها
	استاد راهنما با دانشجو وارد رابطه اقتصادی می‌شود.	
اصل آسیب‌نرساندن، اصل صدافت، اصل عدالت	دریافت پاداش	۹
	استاد راهنما از دانشجو هدیه‌ی دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌کند.	نمونه‌ها
	استاد راهنما کارهای شخصی‌اش را به دانشجو واگذار می‌کند.	
اصل آسیب‌نرساندن، اصل صدافت، اصل عدالت؛ اصل خودبهبودی، اصل جبران؛ اصل قدردانی	نقض اخلاق پژوهش	۱۰
	استاد راهنما ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.	نمونه‌ها
	ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله‌ی برگرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.	
	استاد راهنما دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.	
	استاد راهنما دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.	

این چالش‌ها و مقوله‌بندی آن‌ها، در قالب تکنیک مثلث‌سازی، به تائید دو پژوهشگر دیگر رسید و درنهایت مبنای کار ما برای ادامه پژوهش قرار گرفت.

۳-۳ چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و زمینه ایران

اکنون سؤالی که پیش روست این است که این چالش‌ها چقدر به زمینه ایران مرتبط‌اند. منظور ما از ارتباط این است که این چالش‌ها چقدر در زمینه ایران نیز رخ می‌دهند یا ممکن است رخ دهند. برای

پاسخ به این سؤال در قالب روش دلفی، این سؤال و چند سؤال مرتبط دیگر را با ۲۵ نفر از استادان، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مطرح کردیم. تلاش کردیم تا حداکثر تنوع در نظر گرفته شود؛ این مجموعه شامل افرادی از رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون، جنسیت‌های متفاوت، درجات تحصیلی و علمی متفاوت و دانشگاه‌های متفاوت از شهرهای گوناگون بود. پاسخ‌نامه‌ها اغلب به شکلی طیفی، با استفاده از طیف لیکرت، مطرح شدند. غیر از پرسش درباره اندازه ارتباط این چالش‌ها با زمینه ایران، پرسش‌هایی در مورد میزان اهمیت این چالش‌ها، و نیز میزان اثرگذاری کدهای تعریف‌شده بر اساس آن‌ها بر بالارفتن کیفیت راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه، یا نحوه به‌کارگیری کدها طرح شدند. این پرسش‌نامه به شکل کامل در ادامه می‌آید.

۳-۱. دور نخست نظرسنجی

مقدمه

معمولاً نخستین تجربه دانشجویان از پژوهش، نوشتن پایان‌نامه است، در نتیجه، اولین تمرین انجام یک پژوهش اخلاق‌مدارانه، در جریان نوشتن پایان‌نامه‌ها صورت می‌گیرد. اساتید راهنما و مشاور، نه تنها ناظر کار پژوهشی‌اند، بلکه نخستین راهنمای اخلاق پژوهش دانشجویان نیز به شمار می‌روند. از این رو، هر نوع تخلف یا بدرفتاری پژوهشی از سوی استادان راهنما/مشاور، می‌تواند کیفیت کار دانشجو را تحت تأثیر قرار دهد و تأثیر دیرپایی روی منش پژوهشی دانشجو نیز بگذارد. اهمیت این موضوع باعث شده که اکثر دانشگاه‌های بزرگ از جمله دانشگاه ادینبورا، کمبریج، شفیلد، گلاسکو، اکستر، مانس، هلسینکی و منچستر، اقدام به تنظیم کدهای اخلاقی استادان راهنما/مشاور پایان‌نامه و رساله‌ها کنند. در ایران هنوز مجموعه کدهای اخلاقی برای حرفه راهنمایی و نظارت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها تدوین نشده است. این پژوهش در پی پرکردن چنین خلأیی است. در گام نخست تلاش می‌کنیم که بر سر چالش‌های اخلاقی حرفه راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها به یک اجماع دست یابیم. سپس، در گام دوم، بر اساس چالش‌های توافق‌شده، مجموعه‌ای از کدهای اخلاقی طراحی خواهند شد.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴۲

مشارکت‌کننده گرامی؛

- از این‌که در انجام این پژوهش مشارکت می‌کنید بسیار سپاسگزاریم. همکاری شما در افزایش اعتبار این پژوهش و نیز کارایی آن برای جامعه پژوهشی کشور اثرگذار است.
- هویت و وابستگی سازمانی شما کاملاً محرمانه باقی می‌ماند و جایی منتشر نمی‌شود.
- این پژوهش با روش دلفی انجام می‌شود. هدف رسیدن به یک اجماع بین مشارکت‌کنندگان است. ما خلاصه نتایج این پرسش‌نامه را برای شما ارسال خواهیم‌کنیم و چنانچه در دور نخست توافقی حاصل نشود چند پرسش دیگر درباره نتایج به‌دست آمده طرح خواهیم‌کرد.

- اطلاعات مشارکت‌کننده

جدول شماره ۳-۲: اطلاعات مشارکت‌کننده (دور نخست نظرسنجی)

وضعیت پژوهشی/آموزشی کنونی	دانشجوی ارشد □ دانشجوی دکتری □ فارغ‌التحصیل ارشد □ فارغ‌التحصیل دکتری □ استادیار □ دانشیار □ استاد □
جنسیت	
رشته	
نشانی الکترونیکی	

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴۳

- در جدول زیر ۱۰ نوع چالش اخلاقی که ممکن است هنگام نظارت و راهنمایی پایان‌نامه‌ها/رساله‌ها رخ دهد به همراه نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر شده‌اند.

این چالش‌ها را چه‌اندازه به زمینه دانشگاهی ایران مرتبط می‌دانید؟ (مسئله این نیست که خود مشارکت‌کننده چقدر با این چالش‌ها مواجه بوده است، بلکه این است که چنین چالش‌هایی چقدر به زمینه دانشگاهی ایران مرتبط‌اند یا چقدر ممکن است در زمینه دانشگاهی ایران نیز رخ دهند).

جدول ۳-۳: پرسش اول (دور نخست نظرسنجی)-بخش ۱

ردیف	چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها/رساله‌ها					اندازه ارتباط				
						۱	۲	۳	۴	۵
۱	دانش ناکافی									
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد.					☐	☐	☐	☐	☐
	استاد راهنما/مشاور هنگام شروع کار راهنمایی با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.					☐	☐	☐	☐	☐
۲	تضاد منافع									
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.					☐	☐	☐	☐	☐
	استاد راهنما/مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.					☐	☐	☐	☐	☐
	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی استاد و دانشجو مشکل‌ساز است.					☐	☐	☐	☐	☐
	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل‌ساز است.					☐	☐	☐	☐	☐

تحمیل دیدگاه						۳
☐	☐	☐	☐	☐	استاد راهنما/مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند.	نمونه‌ها
☐	☐	☐	☐	☐	موضوع پژوهش را به دانشجو تحمیل می‌شود.	
عدم انعطاف و گشودگی						۴
☐	☐	☐	☐	☐	استاد راهنما/مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند.	نمونه‌ها
☐	☐	☐	☐	☐	استاد راهنما/مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	
مدیریت نادرست						۵
☐	☐	☐	☐	☐	برنامه مورد توافقی را برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.	نمونه‌ها
☐	☐	☐	☐	☐	محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/راهنمایی‌ها/مشاوره‌ها وجود دارد.	
☐	☐	☐	☐	☐	هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.	
☐	☐	☐	☐	☐	استادان راهنما و مشاور به عنوان یک گروه راهنمایی و نظارت ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.	
نظارت ناکافی						۶
☐	☐	☐	☐	☐	استاد راهنما/مشاور برخلاف برنامه توافق‌شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.	نمونه‌ها
☐	☐	☐	☐	☐	استاد برخلاف برنامه زمانی توافق‌شده، کار دانشجو را با تأخیر بررسی می‌کند.	

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴۵

	☐					نوشته‌های دانشجو به شکل کامل مطالعه نمی‌شود.
	☐					استاد راهنما/مشاور ارزیابی‌ای جزئی/تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.
	☐					نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/رساله برای مدتی رها می‌شود.
۷	سوءرفتار					
نمونه‌ها	☐					به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود.
	☐					اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.
۸	رابطه دوگانه					
نمونه‌ها	☐					استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود.
	☐					استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد روابط اقتصادی می‌شود.
۹	دریافت پاداش					
نمونه‌ها	☐					از دانشجو هدیه‌ی دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود.
	☐					استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.
۱۰	نقض اخلاق پژوهش					
نمونه‌ها	☐					استاد راهنما/مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴۶

☐	☐	☐	☐	☐	ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله بر گرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.
☐	☐	☐	☐	☐	استاد راهنما/مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.
☐	☐	☐	☐	☐	استاد راهنما/مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.

- غیر از ۱۰ چالش اصلی بالا چه چالش‌های دیگری را به زمینه دانشگاهی ایران مرتبط می‌دانید؟
لطفاً اضافه کنید.

- لطفاً به چالش‌های اخلاقی زیر بر اساس اندازه اهمیت‌شان (۱-۵) نمره بدهید.

جدول ۳-۴: پرسش سوم (دور نخست نظرسنجی)

اندازه اهمیت					چالش‌های اخلاقی حرفه راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها	
۱	۲	۳	۴	۵		
☐	☐	☐	☐	☐	دانش ناکافی	۱
☐	☐	☐	☐	☐	تضاد منافع	۲
☐	☐	☐	☐	☐	تحمیل دیدگاه	۳
☐	☐	☐	☐	☐	عدم انعطاف و گشودگی	۴

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۴۷

□	□	□	□	□	۵ مدیریت نادرست
□	□	□	□	□	۶ نظارت ناکافی
□	□	□	□	□	۷ سورتار
□	□	□	□	□	۸ رابطه دوگانه
□	□	□	□	□	۹ دریافت پاداش
□	□	□	□	□	۱۰ نقض اخلاق پژوهش

- به نظر شما پس از طراحی مجموعه کدهای اخلاقی استادان راهنما و مشاور چگونه باید آن را بکار گرفت؟

۱. وزارت علوم باید آن را به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها ابلاغ کند ولی صرفاً جنبه تشویقی و ترویجی داشته باشد. □
۲. وزارت علوم باید آن را به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها ابلاغ کند و عملکرد استاد راهنما/مشاور بر اساس آن ارزیابی شود. □
۳. صرفاً انتشار آن در منابع اطلاع‌رسانی کافی است و نیازی به ابلاغ آن به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها نیست. □

- به نظر شما تدوین کدهای اخلاقی اساتید راهنما و مشاور و ابلاغ آن‌ها به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، چه اندازه کیفیت راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را بهبود می‌بخشد؟

خیلی زیاد □ زیاد □ تاحدی □ کم □ خیلی کم □

۳-۲. نتایج دور نخست نظرسنجی

اطلاعات آماری مشارکت‌کننده‌ها

ما پرسش‌نامه فوق را برای ۲۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی و استادان دانشگاهی که دارای تجربه راهنمایی و مشاوره بوده‌اند، به عنوان ذینفعان اصلی راهنمایی پژوهش، ارسال کردیم. جامعه آماری ما اساتید و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده است. چنانکه در روش‌شناسی پژوهش گفتیم تلاش این بوده حداکثر تنوع در مشارکت‌کنندگان وجود داشته باشند. بنابراین ما از مشارکت افرادی از حوزه‌های پژوهشی و علمی گوناگون، درجات علمی گوناگون، جنسیت‌های متفاوت، و دانشگاه‌های متفاوت استفاده کنیم. حتی تلاش این بوده که تفاوت‌های جغرافیایی و قومیتی نیز در نظر آورده شوند. بنابراین مشارکت‌کننده‌ها فقط محدود به تهران نبوده‌اند.

از میان ۲۵ نفر مشارکت‌کننده، ۱۶ نفر مرد و ۹ نفر زن بوده‌اند. باتوجه به اینکه در چند سال اخیر جمعیت استادان (استادیار، دانشیار، و استاد) و دانشجویان تحصیلات تکمیلی مرد در ایران از جمعیت استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی زن به‌مراتب بیشتر بوده است (heiatelmi.ir)، ما تلاش نکرده‌ایم تا از نظر آماری یک تساوی جنسیتی میان مشارکت‌کنندگان برقرار شود.

همچنین ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و ۱۳ نفر دانشجو/فارغ‌التحصیل تحصیلات تکمیلی بوده‌اند. از این میان ۹ استادیار، ۲ دانشیار، ۵ فارغ‌التحصیل دکتری، ۳ فارغ‌التحصیل ارشد، ۲ دانشجوی دکتری و ۲ دانشجوی ارشد حضور داشته‌اند. دانشجویان دکتری و ارشد همگی یا در اواسط نوشتن پایان‌نامه و رساله بوده‌اند یا در پایان کار. مشارکت‌کنندگان از حوزه‌های پژوهشی و آموزشی گوناگونی چون علوم پایه (۴ نفر)، علوم انسانی (۷ نفر)، علوم اجتماعی (۱۰ نفر)، و مهندسی (۴ نفر) بوده‌اند. علت تفاوت قابل توجه میان مشارکت‌کنندگان علوم انسانی-اجتماعی از یک سو و علوم پایه و مهندسی از سوی دیگر، غیر از مسائل مربوط به دسترسی پژوهشگر و نیز میزان همکاری افراد، تفاوت چشم‌گیر در آمار دانشجویان و اساتید این حوزه‌های آموزشی و پژوهشی است. بر اساس آخرین آمار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (irphe.ac.ir) حتی با احتساب

دانشجویان و اساتید علوم پزشکی، ۴۶/۹٪ از دانشجویان و ۳۰/۷٪ از اساتید در حوزه‌های علوم انسانی- اجتماعی فعالیت می‌کنند. این در حالی است که همین آمار برای حوزه‌های مهندسی و علوم پایه، به ترتیب، ۲۸/۵٪ و ۶٪ برای دانشجویان، و ۲۱/۳٪ برای اساتید در هریک از حوزه‌های علوم پایه و مهندسی است. البته چنانکه خواهیم دید تفاوت معناداری در پاسخ‌ها بین مشارکت‌کنندگان علوم اجتماعی- انسانی از یک سو و علوم پایه و مهندسی از سویی دیگر مشاهده نگردید.

۳-۲-۱. پاسخ‌های پرسش نخست

در پرسش نخست از مشارکت‌کنندگان پرسیده بودیم چقدر چالش‌های مطرح‌شده را به زمینه آموزشی و پژوهشی ایران مرتبط می‌دانند. چنانکه قبلاً اشاره کردیم برای اینکه مشارکت‌کننده تصویر روشن‌تری از چالش‌ها به دست آورد ذیل هر چالش دست کم دو نمونه ذکر شده‌اند. مشارکت‌کننده از میان ۱ (کمترین ارتباط) تا ۵ (بیشترین ارتباط) به نمونه‌ها نمره می‌دهند و در نهایت میزان ارتباط چالش اصلی از طریق جمع میانگین به دست آمده از نمونه‌های آن چالش مشخص می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده چالش مدیریت نادرست، نظارت ناکافی، عدم انعطاف و گشودگی، و تحمیل دیدگاه به ترتیب مرتبط‌ترین چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها بوده‌اند. دانش ناکافی، نقض اخلاق پژوهش و دریافت پاداش در رده‌های میانی، و سورتار، رابطه دوگانه، و تضاد منافع به ترتیب در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند. میانگین نمرات مشارکت‌کنندگان به نمونه‌های چالش‌ها و نیز میانگین خود چالش‌ها در جدول زیر آمده‌اند. چالش‌ها بر اساس نمرات به دست آمده از مرتبط‌ترین به سوی کم ارتباط‌ترین مرتب شده‌اند.

جدول ۳-۵: میانگین پاسخ‌های پرسش اول

چالش‌های اخلاقی	میانگین پاسخ‌ها	
مدیریت نادرست	۴/۳۴	۱

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۰

۴/۲۸	برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.	نمونه‌ها
۴/۴	محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/راهنمایی‌ها/مشاوره‌ها وجود دارد.	
۴/۳۶	هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.	
۴/۳۲	استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.	
۴/۰۶	نظارت ناکافی	۲
۴/۱۲	استاد راهنما/مشاور برخلاف برنامه توافق شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.	نمونه‌ها
۴/۱۲	برخلاف برنامه زمانی توافق شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود.	
۴/۱۶	استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند.	
۴/۰۴	استاد راهنما/مشاور ارزیابی‌ای جزئی/تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.	
۳/۸۸	نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/رساله را برای مدتی رها می‌شود.	
۳/۷۴	عدم انعطاف و گشودگی	۳
۳/۵۲	استاد راهنما/مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند.	نمونه‌ها
۳/۹۶	استاد راهنما/مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	
۳/۷۲	دانش ناکافی	۴

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۱

۳/۹۲	استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد.	
۳/۵۲	استاد راهنما/مشاور هنگام شروع راهنمایی، با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.	
۳/۷۲	تحلیل دیدگاه	۵
۳/۷۶	استاد راهنما/مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحلیل می‌کند.	نمونه‌ها
۳/۶۸	موضوع پژوهش به دانشجو تحویل می‌شود.	
۳/۲۱	نقض اخلاق پژوهش	۶
۳/۳۲	استاد راهنما/مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.	نمونه‌ها
۳/۷۶	ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله بر گرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.	
۲/۹۶	استاد راهنما/مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.	
۲/۸	استاد راهنما/مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.	
۳	دریافت پاداش	۷
۲/۵۲	از دانشجو هدیه دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود	نمونه‌ها
۳/۴۸	استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.	
۲/۶۶	سوءرفتار	۸

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۲

۳/۳۲	به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود.	نمونه‌ها
۲	اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.	
۲/۵۸	رابطه دوگانه	۹
۲/۳۲	استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود.	نمونه‌ها
۲/۸۴	استاد راهنما با دانشجو وارد روابط اقتصادی می‌شود.	
۲/۵۴	تضاد منافع	۱۰
۲/۲۸	استاد راهنما/مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.	نمونه‌ها
۲/۹۲	استاد راهنما/مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.	
۲/۷۶	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	
۲/۲	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	

نکته مهمی که از این جدول می‌توان استنتاج کرد این است که از نظر مشارکت کنندگان استادان راهنما و مشاور از نظر شخصی اغلب رفتاری مناسب و تعاملی مطلوب با دانشجویان دارند اما از نظر حرفه‌ای و تخصصی چندان کارا نیستند. به عبارتی دیگر رفتار و منش استادان اغلب خوب تلقی می‌شود ولی از نظر حرفه‌ای در نحوه راهنمایی آن‌ها چالش‌های مهمی وجود دارد.

میانگین پاسخ‌ها بر اساس گروه‌بندی‌های متفاوت

این سؤال قابل طرح است که باتوجه به اینکه گروه‌های گوناگونی در این پژوهش مشارکت کرده‌اند ممکن است میان دیدگاه‌های آن‌ها اختلاف‌هایی وجود داشته باشد. در این بخش بر اساس دو گروه‌بندی استادان و دانشجویان/فارغ‌التحصیلان، و نیز مشارکت‌کنندگان علوم انسانی/اجتماعی و علوم پایه/مهندسی، میانگین پاسخ‌های این گروه‌ها به پرسش اول را مقایسه خواهیم کرد.

چنانکه جدول شماره ۷ نشان می‌دهد میانگین نمرات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به تمام چالش‌ها بالاتر از استادان بوده است. این یعنی اینکه تصور دانشجویان/فارغ‌التحصیلان از عملکرد استادان، در مقایسه با تصویری که استادان از عملکرد خود دارند، در کل نامطلوب‌تر است. همچنین اختلاف میانگین‌ها در برخی چالش‌ها قابل توجه است. اختلاف‌ها در چالش دانش ناکافی و دریافت پاداش بالاتر از یک (به ترتیب ۱,۰۹، و ۱,۲۲) و در چالش‌های سورفتار، رفتار دوگانه و تعارض منافع نزدیک ۱ بوده است. داده‌های مربوط به دانش ناکافی و دریافت پاداش نشان می‌دهند که اولاً استادان و دانشجویان بعضی وقت‌ها در مورد دانش کافی استاد ارزیابی یکسانی ندارند؛ استاد ممکن است، صادقانه، دانش و مهارت خود را برای راهنمایی یک رساله و پایان‌نامه کافی ببیند ولی دانشجو تصور متفاوتی داشته باشد. ثانیاً ممکن است استادان برخی از رفتارها را از مصادیق دریافت پاداش در نظر نگیرند ولی دانشجویان آن‌ها را نوعی بهره‌کشی در مقابل انجام راهنمایی قلمداد کنند. برای مثال میانگین نمونه دوم این چالش یعنی «استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند» بر اساس پاسخ‌های دانشجویان و استادان به ترتیب ۳,۷۵ و ۲,۲ بوده است که اختلاف قابل توجهی بین آن‌ها مشاهده می‌شود.

جدول ۳-۶: مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه دانشجویان/فارغ‌التحصیلان و استادان

	چالش‌های اخلاقی		میانگین پاسخ‌ها	
			دانشجویان/فارغ‌التحصیلان	استادان
۱	مدیریت نادرست		۴,۳۹	۴,۲۵

نمونه‌ها	برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.	۴,۲۵	۴,۱
	محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/ راهنمایی‌ها/ مشاوره‌ها وجود دارد.	۴,۵۸	۴,۱
	هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.	۴,۲۵	۴,۶
	استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.	۴,۵	۴,۲
۲	نظارت ناکافی	۴,۰۸	۴,۰۴
نمونه‌ها	استاد راهنما/ مشاور برخلاف برنامه توافق‌شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.	۴,۲۵	۴
	برخلاف برنامه زمانی توافق‌شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود.	۴,۱۶	۴
	استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند.	۴,۲۵	۴,۱
	استاد راهنما/ مشاور ارزیابی‌ای جزئی/ تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.	۴,۰۸	۴,۱
	نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/ رساله را برای مدتی رها می‌شود.	۳,۶۶	۴
۳	عدم انعطاف و گشودگی	۳,۹۴	۳,۴۵
نمونه‌ها	استاد راهنما/ مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند.	۳,۸	۳,۱
	استاد راهنما/ مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	۴,۰۸	۳,۸

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۵

۴	دانش ناکافی	۴,۲۴	۳,۱۵
	استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد.	۴,۴	۳,۳
	استاد راهنما/مشاور هنگام شروع راهنمایی، با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.	۴,۰۸	۳
۵	تحویل دیدگاه	۳,۹	۳,۴
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحویل می‌کند.	۳,۸	۳,۴
	موضوع پژوهش به دانشجو تحویل می‌شود.	۴	۳,۴
۶	نقض اخلاق پژوهش	۳,۴۹	۲,۹
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.	۳,۵۸	۳,۱
	ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله برگرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.	۴,۱۶	۳,۳
	استاد راهنما/مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.	۳	۲,۸
	استاد راهنما/مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.	۳,۲۵	۲,۴
۷	دریافت پاداش	۳,۲۷	۲,۰۵

نمونه‌ها	از دانشجو هدیه‌ی دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود	۲,۸	۱,۹
	استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.	۳,۷۵	۲,۲
۸	سوءرفتار	۳,۰۵	۲,۱
نمونه‌ها	به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود.	۳,۸	۲,۵
	اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.	۲,۳	۱,۷
۹	رابطه دوگانه	۲,۹۵	۲,۰۵
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود.	۲,۶۶	۱,۹
	استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه اقتصادی می‌شود.	۳,۲۵	۲,۲
۱۰	تضاد منافع	۲,۹۵	۲,۰۵
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.	۲,۶۶	۱,۹
	استاد راهنما/مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.	۳,۵	۲,۳
	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی استاد و دانشجو مشکل‌ساز است.	۳,۳۳	۲,۱
	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل‌ساز است.	۲,۳۳	۱,۹

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۷

در جدول ۸ میانگین نمرات مشارکت کنندگان علوم اجتماعی-انسانی از یک سو و علوم پایه و مهندسی از سوی دیگر مقایسه شده است. در اینجا نیز مدیریت نادرست و نظارت ناکافی برای هر دو گروه مرتبط‌ترین چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها بوده‌اند. در بقیه موارد به خاطر اختلاف‌های جزئی میانگین‌ها، رتبه‌بندی متفاوتی به دست آمده است. مثلاً برای مشارکت کنندگان علوم پایه و مهندسی، دانش ناکافی در رتبه سوم قرار دارد ولی این چالش برای افراد علوم اجتماعی و انسانی همچنان در رتبه چهارم پس از عدم انعطاف و گشودگی قرار گرفته است. اختلاف میانگین‌های این دو گروه مشارکت‌کننده برای ۹ چالش کمتر از سه‌دهم و برای یک چالش (رابطه دوگانه) حدود هفت‌دهم بوده است. بنابراین درکل تفاوت قابل توجهی میان دیدگاه گروه‌های علوم اجتماعی/انسانی و علوم پایه/مهندسی مشاهده نشده است.

جدول ۳-۷: مقایسه میانگین پاسخ‌های دو گروه علوم انسانی-اجتماعی و علوم پایه-مهندسی به پرسش اول

چالش‌های اخلاقی		میانگین پاسخ‌ها	
		علوم پایه و مهندسی	علوم انسانی-اجتماعی
۱	مدیریت نادرست	۴,۲۰	۴,۳۵
نمونه‌ها	برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.	۴,۴۲	۴,۲۲
	محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/راهنمایی‌ها/مشاوره‌ها وجود دارد.	۳,۸۵	۴,۶۱
	هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.	۴,۴۲	۴,۳

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۸

۴,۳	۴,۱۴	استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.	
۴,۰۱	۴,۱۶	نظارت ناکافی	۲
۴,۱۱	۴,۱۴	استاد راهنما/مشاور برخلاف برنامه توافق شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.	نمونه‌ها
۴,۰۵	۴,۲۸	برخلاف برنامه زمانی توافق شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود.	
۴,۱۱	۴,۲۸	استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند.	
۴,۰۵	۴	استاد راهنما/مشاور ارزیابی‌ای جزئی/تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.	
۳,۷۷	۴,۱۴	نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/رساله را برای مدتی رها می‌شود.	
۳,۷۳	۳,۲۸	عدم انعطاف و گشودگی	۳
۳,۵	۳,۵۷	استاد راهنما/مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند.	نمونه‌ها
۳,۹۴	۴	استاد راهنما/مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	
۳,۶۳	۳,۹۲	دانش ناکافی	۴
۳,۸۳	۴,۱۴	استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد.	
۳,۴۴	۳,۷۱	استاد راهنما/مشاور هنگام شروع راهنمایی، با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.	
۳,۶۶	۳,۸۵	تحمیل دیدگاه	۵
۳,۷۲	۳,۸۵	استاد راهنما/مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند.	نمونه‌ها

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۵۹

	۳,۸۵	۳,۶۱	موضوع پژوهش به دانشجو تحمیل می‌شود.
۶	۳,۲۴	۳,۱۹	نقض اخلاق پژوهش
نمونه‌ها	۳,۲۸	۳,۳۳	استاد راهنما/مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.
	۳,۲۸	۳,۹۴	ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله برگرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.
	۳,۲۸	۲,۸۳	استاد راهنما/مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.
	۳,۱۴	۲,۶۶	استاد راهنما/مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.
۷	۲,۹۹	۲,۹۹	دریافت پاداش
نمونه‌ها	۲,۷۱	۲,۴۴	از دانشجو هدیه دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود
	۳,۲۸	۳,۵۵	استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.
۸	۲,۵۷	۲,۶۹	سوءرفتار
نمونه‌ها	۳	۳,۴۴	به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود.
	۲,۱۴	۱,۹۴	اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.
۹	۳,۰۵	۲,۳۸	رابطه دوگانه
نمونه‌ها	۲,۷۱	۲,۱۶	استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود.

۲,۶۱	۳,۴	استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه اقتصادی می‌شود.	
۲,۵۱	۲,۶۰	تضاد منافع	۱۰
۲	۳	استاد راهنما/مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.	نمونه‌ها
۲,۷۷	۳,۲۸	استاد راهنما/مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.	
۲,۹۴	۲,۲۸	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	
۲,۳۳	۱,۸۵	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	

نکته قابل توجه این است که چنانکه انتظار می‌رود با توجه به نوع موضوعات و حوزه‌های پژوهشی در علوم اجتماعی-انسانی، مشارکت کنندگان علوم اجتماعی-انسانی در مقایسه با علوم پایه و مهندسی، نمونه‌های سوم و چهارم تضاد منافع (اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی و نیز اختلاف جنسیتی) را دارای ارتباط بیشتری دانسته‌اند.

همچنین میانگین نمره مشارکت کنندگانی که از اقلیت‌های قومی/دینی بوده‌اند به نمونه سوم تضاد منافع با میانگین نمره دیگر مشارکت کنندگان اختلاف قابل توجهی داشته است؛ میانگین نمرات دو گروه به ترتیب ۳,۶۶ و ۲,۳۵ بوده است. زنان نیز در مقایسه با مردان به نمونه چهارم (اختلاف جنسیتی) نمره بسیار بیشتری داده‌اند؛ میانگین نمرات زنان و مردان به ترتیب ۳,۲۲ و ۱,۵۲ بوده است.

۳-۲-۲. پاسخ‌های پرسش دوم

در پرسش دوم، از مشارکت کنندگان خواسته بودیم که اگر افزون بر چالش‌های ذکر شده، مورد دیگری را در نظر دارند بیان کنند. چند مشارکت کننده مواردی را ذکر کردند، ولی اکثر این موارد یا تعبیر دیگری

از چالش‌ها یا نمونه‌های مطرح‌شده در پرسش نخست بودند یا نتیجه این چالش‌ها یا نمونه‌ها. بعضی از موارد نیز جزو چالش‌های راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نبوده‌اند بلکه بیشتر ویژگی‌هایی بوده‌اند که می‌توانند زمینه بروز چالش اخلاقی را ایجاد کنند از جمله ساختارها و قوانین آموزشی و پژوهشی. بنابراین مورد جدیدی به فهرست طرح‌شده اضافه نشد. مجموعه موارد ذکرشده توسط مشارکت‌کنندگان از این قرار بوده‌اند:

۱. عدم معرفی منابع مناسب
۲. ساختارمند نکردن و نظم‌ندادن به ایده‌های دانشجو
۳. عدم جهت‌دهی مناسب به ایده‌ها و فرضیات دانشجو
۴. دیدگاه شیء‌انگارانه به دانشجویان
۵. سرقت علمی استادان از دانشجویان
۶. تعامل و ارتباط ناسالم استاد و دانشجو
۷. الزام دانشجو به انتخاب استاد راهنما/مشاور از محل تحصیل
۸. استادسالاربودن نظام آموزشی کشور

مورد اول، ذیل چالش دانش ناکافی می‌تواند قرار گیرد. وقتی استاد راهنما در یک حوزه، تخصص و دانش کافی ندارد (نمونه ۱ از دانش ناکافی) یا هنگام شروع راهنمایی با موضوع پژوهش دانشجو آشنا نیست (نمونه ۲ از دانش ناکافی)، طبیعتاً نمی‌تواند منابع خوب و مناسبی را به دانشجو پیشنهاد دهد. موارد دوم و سوم تعابیر دیگری از نمونه چهارم نظارت ناکافی (استاد راهنما/مشاور ارزیابی‌ای جزئی/تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد) و نمونه دوم چالش عدم انعطاف و گشودگی (استاد راهنما کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند) هستند. مورد چهارم، رویکردی کلی را طرح می‌کند که می‌تواند خود را در قالب چالش‌های زیادی (از جمله دریافت پاداش، رابطه دوگانه، نقض اخلاق پژوهش و ...)

نشان دهد. مورد پنجم صراحتاً در چالش نقض اخلاق پژوهش (نمونه نخست) آمده است. مورد ششم نیز مفهومی کلی را مطرح می‌کند که باز می‌تواند از طریق چندین چالش (از جمله سورفتار، رفتار دوگانه، تحمیل دیدگاه و ...) بروز پیدا کند. موارد هفتم و هشتم علی‌رغم اهمیت و تاثیرگذار بودنشان چیزی فراتر از رابطه استاد راهنما و دانشجو هستند و به ساختارهای حقوقی و قانونی حاکم بر دانشگاه‌ها برمی‌گردند.

۳-۲-۳. پاسخ‌های پرسش سوم

در پرسش سوم از مشارکت‌کنندگان سؤال شد تا چالش‌ها را برحسب اهمیت‌شان رتبه‌بندی کنند. در اینجا هدف این بود که میان ارتباط/احتمال وقوع یک چالش (که در پرسش نخست مطرح شد) و اهمیت آن چالش تمایزی برقرار شود. یک چالش ممکن است بسیار به زمینه ایران مرتبط باشد یعنی بسیار در ایران رخ دهد اما از نظر اخلاقی اهمیت آن کمتر از برخی چالش‌های دیگر باشد. یا برعکس، یک چالش ممکن است چندان در ایران رخ ندهد یعنی ارتباط آن با زمینه ایران کم باشد، اما اهمیت اخلاقی آن بسیار زیاد باشد، در نتیجه مثلاً باید به وقوع کم آن نیز حساس بود. بر اساس نتایج به‌دست آمده، تقریباً همه چالش‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند. هیچ‌یک از چالش‌ها نمره‌ای پایین‌تر از سه کسب نکرده‌اند.

جدول ۳-۸: میانگین پاسخ‌های پرسش سوم

	چالش‌های اخلاقی حرفه راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها	اندازه اهمیت (۵ بیشترین اهمیت؛ ۱ کمترین اهمیت)
۱	دانش ناکافی	۴,۹۲
۲	مدیریت نادرست	۴,۴
۳	نقض اخلاق پژوهش	۴,۲۸
۴	نظارت ناکافی	۴,۲۴

۴,۲	تحلیل دیدگاه	۵
۴	عدم انعطاف و گشودگی	۶
۳,۷۶	سورفتار	۷
۳,۶۴	رابطه دوگانه	۸
۳,۵۲	تضاد منافع	۹
۳,۳۲	دریافت پاداش	۱۰

نکته جالب توجه این است که مشارکت کنندگان دانش ناکافی را مهم‌ترین چالش اخلاقی دانسته‌اند. با این حال در پرسش نخست دیدیم که آن‌ها این چالش را مرتبط‌ترین چالش به زمینه ایران نمی‌دانند بلکه مدیریت نادرست را دارای بیشترین ارتباط می‌دانند. نتیجه‌ای که از این می‌توان گرفت این است که در نظر برخی از مشارکت کنندگان، اساتید راهنما بعضاً دارای دانش کافی هستند اما نمی‌توانند خوب راهنمایی کنند؛ یعنی مشکل اصلی مدیریت راهنمایی است نه دانش.

همچنین یک هم‌سویی و همگرایی بین اهمیت چالش‌ها و ارتباط چالش‌ها به زمینه ایران وجود داشته است؛ چهار چالشی که در جدول فوق نمره پایین چهار کسب کرده‌اند همان‌هایی هستند که در جدول مربوط به ارتباط با زمینه ایران (جدول ۶) کمترین نمره را کسب کرده‌اند (سه و پایین‌تر از سه). و تمام چالش‌هایی که در جدول فوق میانگین‌شان بالاتر از ۴ شده است در جدول شماره ۶، میانگین بالای ۳ داشته‌اند.

۲-۳-۴. پاسخ‌های پرسش چهارم

پرسش‌های پایانی دور نخست پرسش‌نامه در مورد نحوه بکارگیری کدهای اخلاقی و میزان اثرگذاری آن‌هاست. بنابراین این پرسش‌ها ربط مستقیمی به چالش‌های اخلاقی ندارند بلکه متوجه کدهای اخلاقی

طراحی‌شده بر اساس چالش‌ها هستند. پرسش چهارم این بود که به نظر شما پس از طراحی مجموعه کدهای اخلاقی استادان راهنما و مشاور چگونه باید آن را بکار گرفت. سه گزینه طرح‌شده برای این سؤال چنین بودند:

۱. وزارت علوم باید آن را به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها ابلاغ کند ولی صرفاً جنبه تشویقی و ترویجی داشته باشد.
 ۲. وزارت علوم باید آن را به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها ابلاغ کند و عملکرد استاد راهنما/مشاور بر اساس آن ارزیابی شود.
 ۳. صرفاً انتشار آن در منابع اطلاع‌رسانی کافی است و نیازی به ابلاغ آن به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها نیست.
- ۸۰٪ از مشارکت‌کنندگان گزینه دوم و ۲۰٪ درصد از آن‌ها گزینه اول را انتخاب کرده‌اند. چنانکه پیداست اکثر مشارکت‌کنندگان از ابلاغ کدها و ارزیابی عملکرد اساتید استقبال کرده‌اند. دانشجویان درمقایسه با اساتید استقبال بیشتری از گزینه دوم کرده‌اند: ۹۶ درصد از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی که در این پژوهش مشارکت کردند گزینه دوم و فقط ۷,۶۹٪ درصد (یک نفر) گزینه اول را انتخاب کردند. درمقابل، ۶۶,۶ درصد از استادان گزینه دوم و ۳۳,۳٪ گزینه اول را انتخاب کردند.

۲-۳-۵. پاسخ‌های پرسش پنجم

سپس از مشارکت‌کنندگان پرسیدیم که به نظر شما تدوین کدهای اخلاقی اساتید راهنما و مشاور و ابلاغ آن‌ها به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، چه اندازه کیفیت راهنمایی و نظارت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را بهبود می‌بخشد؟ ۵ نفر (۲۰٪) گزینه بسیار زیاد، ۱۱ نفر (۴۴٪) گزینه زیاد، ۸ نفر (۳۲٪) گزینه تاحدی، و ۱ نفر (۴٪) گزینه کم را انتخاب کردند.

بر اساس پاسخ پرسش‌های چهارم و پنجم اکثر مشارکت‌کنندگان اثرگذاری تدوین کدها را بالا و خواهان ابلاغ آن به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و ارزیابی عملکرد استادان بر اساس آن بوده‌اند.

۳-۲. دور دوم نظرسنجی

در پاسخ به پرسش دوم دیدیم که چالش جدیدی مطرح نشد و موارد ذکر شده توسط مشارکت‌کنندگان یا تحت ده چالش اصلی قرار می‌گرفتند یا مستقیماً به اخلاق راهنمایی پژوهش مرتبط نمی‌شدند. از این رو در دور دوم نظرسنجی چالش جدیدی را برای دریافت نظرات از مجموعه استادان و دانشجویان/فارغ‌التحصیلان این پژوهش مطرح نکردیم بلکه صرفاً میانگین پاسخ‌های دور نخست را با مشارکت‌کنندگان در میان گذاشتیم و از آن‌ها خواستیم در صورت تمایل در پاسخ‌هایشان بازنگری کنند. میانگین‌های دور اول و دوم این نظرسنجی در جدول زیر آمده است. بعضی از مشارکت‌کنندگان تاحدی نظرات خود را به میانگین پاسخ‌ها نزدیک کردند. با این حال تغییر قابل توجهی در میانگین‌ها مشاهده نشد.

جدول شماره ۳-۹: مقایسه میانگین پاسخ‌های دور نخست و دور دوم نظرسنجی

	چالش‌های اخلاقی		میانگین پاسخ‌ها
	دور اول	دور دوم	
۱	۴/۳۴	۴,۲۶	مدیریت نادرست
نمونه‌ها	۴/۲۸	۴,۲	برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد.
	۴/۴	۴,۳	محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/راهنمایی‌ها/مشاوره‌ها وجود دارد.
	۴/۳۶	۴,۳۵	هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما و مشاور وجود ندارد.
	۴/۳۲	۴,۲	استادان راهنما و مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.
۲	۴/۰۶	۴,۰۶	نظارت ناکافی

نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور برخلاف برنامه توافق شده به دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد.	۴/۱۲	۴
	برخلاف برنامه زمانی توافق شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود.	۴/۱۲	۴,۲
	استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند.	۴/۱۶	۴,۰۵
	استاد راهنما/مشاور ارزیابی‌ای جزئی/تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد.	۴/۰۴	۴,۱
	نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/رساله را برای مدتی رها می‌شود.	۳/۸۸	۳,۹۵
۳	عدم انعطاف و گشودگی	۳/۷۴	۳,۷۷
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند.	۳/۵۲	۳,۵
	استاد راهنما/مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های دانشجو نمی‌کند.	۳/۹۶	۴,۰۵
۴	دانش ناکافی	۳/۷۲	۳,۷۷
	استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد.	۳/۹۲	۴
	استاد راهنما/مشاور هنگام شروع راهنمایی، با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.	۳/۵۲	۳,۵۵
۵	تحمیل دیدگاه	۳/۷۲	۳,۷۵
نمونه‌ها	استاد راهنما/مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند.	۳/۷۶	۳,۷
	موضوع پژوهش به دانشجو تحمیل می‌شود.	۳/۶۸	۳,۸
۶	نقض اخلاق پژوهش	۳/۲۱	۳,۱۳

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۶۷

نمونه‌ها	۳/۳۲	۳,۱	استاد راهنما/مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.
	۳/۷۶	۴	ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله برگرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.
	۲/۹۶	۳	استاد راهنما/مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.
	۲/۸	۲,۴۵	استاد راهنما/مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.
۷	۳	۳,۰۵	دریافت پاداش
نمونه‌ها	۲/۵۲	۲,۵	از دانشجو هدیه دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود
	۳/۴۸	۳,۶	استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.
۸	۲/۶۶	۲,۷۲	سوءرفتار
نمونه‌ها	۳/۳۲	۳,۴	به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود.
	۲	۲,۰۵	اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.
۹	۲/۵۸	۲,۵۲	رابطه دوگانه
نمونه‌ها	۲/۳۲	۲,۲۵	استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود.
	۲/۸۴	۲,۸	استاد راهنما با دانشجو وارد روابط اقتصادی می‌شود.
۱۰	۲/۵۴	۲,۵۲	تضاد منافع

۲,۱۵	۲/۲۸	استاد راهنما/مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد.	نمونه‌ها
۲,۷	۲/۹۲	استاد راهنما/مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد.	
۲,۷۵	۲/۷۶	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	
۲,۴	۲/۲	موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	

۳-۴. نتیجه‌گیری

در این فصل با مشخص کردن اصول و چالش‌های اخلاقی تلاش کردیم که در قالب روش دلفی ارتباط این چالش‌ها را با زمینه دانشگاهی ایران بسنجیم و ببینیم که آیا علاوه بر این چالش‌ها چالش اخلاقی دیگری بر اساس زمینه ایران وجود دارد یا نه. داده‌های نظرسنجی دور اول و دوم ارتباط بالای این چالش‌ها را نشان می‌دهند. هفت چالش میانگین بالای سه را کسب کرده‌اند و میانگین هیچ چالشی پایین دو نبوده است. همچنین دو چالش مدیریت نادرست و نظارت ناکافی میانگین بالای ۴ کسب کرده‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب نحوه راهنمایی پژوهش در ایران است. در کل میانگین چالش‌های مربوط به رفتار و منش استادان راهنما پایین‌تر از چالش‌های مربوط به تخصص، دانش، و مدیریت آن‌ها بوده است. همچنین چنانکه دیدیم تفاوت‌های قابل توجهی میان چشم‌انداز اخلاقی دانشجویان/فارغ‌التحصیلان از یک سو و استادان از دیگر سو وجود دارد. میانگین گروه نخست به تمام چالش‌ها بالاتر از گروه دوم بوده است. این به معنای آن است که وضعیت اخلاقی راهنمایی از نگاه دانشجویان وخیم‌تر از تصویری است که استادان از این وضعیت دارند.

فصل چهارم

کدهای اخلاقی

راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

۴-۱. مقدمه

در فصل سوم مهم‌ترین چالش‌های اخلاقی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را به همراه مصادیق‌شان به بحث گذاشتیم و میزان ارتباط این چالش‌ها را بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان این پژوهش به زمینه پژوهشی و دانشگاهی ایران نشان دادیم. در این فصل بر اساس این چالش‌ها و مصادیق‌شان، کدهای اخلاقی‌ای طرح خواهیم کرد. این کدها به عنوان راهنما و مبنایی برای آگاهی از چالش‌ها و تشویق برای پرهیز از آن‌ها طرح خواهد شد. هر کد اخلاقی ممکن است از نظر محتوایی مستقیماً دربردارنده مصادیق یک چالش باشد یا ممکن است دربردارنده حکم دیگری برای جلوگیری از بروز آن چالش باشد. برخی از این کدها، مستقیماً از کدهای اخلاقی و رفتاری برخی از دانشگاه‌ها گرفته شده‌اند که به سبب تطابق با چالش‌های بحث‌شده در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است. غیر از آن‌ها بر اساس مصادیق هر چالش کدهای دیگر نیز شرح شده‌اند. انطباق کدهای طرح‌شده با چالش‌ها و مصادیق آن‌ها در یک گروه قانونی، متشکل از هشت نفر از دانشجویان و استادان راهنما طرح شده و نظرات آن‌ها در نسخه نهایی کدها گنجانده شده است. تلاش بر این بود که دست کم نصف افراد مشارکت‌کننده افراد جدیدی باشند که در جریان گام دوم پژوهش مشارکتی نداشته‌اند. فرضیه ما این بود که ورود افراد جدید به گروه قانونی می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را در اختیار پژوهشگر گذارد. برای تشکیل این گروه قانونی یک پروتکل دو مؤلفه‌ای در نظر گرفته شده بود. ۱. افراد حاضر در گروه قانونی همانند گام دوم حتماً بایستی تجربه راهنمایی یا راهنمایی‌شدن را می‌داشتند. و ۲. افراد حاضر در گروه باید تا حدی با ادبیات فلسفه اخلاق به‌ویژه اخلاق حرفه‌ای آشنایی می‌داشتند.

۴-۲. چالش‌ها و کدها

در ادامه کدهایی را مطابق با مصادیق چالش‌های بدست‌آمده در فصل قبل معرفی خواهیم کرد. ترتیب کدها مطابق ترتیب اهمیت چالش‌ها بر اساس نظرات مشارکت‌کنندگان این پژوهش است. چنانکه قبلاً اشاره کردیم تابعی یک به یک و پوشا میان کدها و مصادیق چالش‌ها برقرار نیست؛ در مواردی ممکن است دو کد برای یکی از مصادیق چالش‌های مورد نظر تدوین شده باشند یا یک کد به دو یا چند مصداق یک چالش مرتبط باشد.

۱. مدیریت نادرست

جدول ۴-۱: کدهای چالش اول

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. برنامه مورد توافقی برای داشتن جلسات منظم با دانشجو وجود ندارد. ۲. محتوای جلسات ثبت نمی‌شود؛ در نتیجه امکان عدم پذیرش مسئولیت توصیه‌ها/راهنمایی‌ها/مشاوره‌ها وجود دارد. ۳. هیچ نوع تقسیم کاری میان استادان راهنما/مشاور وجود ندارد. ۴. استادان راهنما/مشاور ارتباط و همکاری مناسبی ندارند.	۱. استاد راهنما/مشاور باید یک برنامه مورد توافق برای تماس منظم با دانشجو داشته باشد و کار وی را مورد نظارت قرار دهد (دانشکده یا پژوهشکده باید برای تعداد جلسات استاد راهنما و دانشجو یک کمیته تعیین کنند). ۲. استاد راهنما/مشاور باید یک جدول زمانی مورد توافق با دانشجو برای انجام مراحل پایان‌نامه/رساله داشته باشد. ۳. محتوای جلسات باید توسط دانشجو ثبت و برای تأیید به استاد راهنما/مشاور ارسال شود. ۴. استاد راهنمای اول سرپرست گروه راهنمایی است و باید از طریق همفکری با بقیه گروه مسئولیت‌ها

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۷۲

و نقش‌های هریک از استادان راهنمای دیگر را مشخص کند (ادینورا). ۵. استاد راهنمای اصلی (اول) باید همکاری و هماهنگی لازم را با دیگر استادان راهنما داشته باشد (ادینورا). ۶. استادان راهنما/مشاور باید از نحوه راهنمایی و نظارت همدیگر، و نیز توصیه‌ها و راهنمایی‌های یکدیگر آگاه باشند (ادینورا). ۷. استاد راهنما/مشاور اول باید از آگاهی دانشجو از مسئولیت‌های هریک از اعضای تیم راهنمایی مطمئن شود (ادینورا). ۸. در صورت بروز هرگونه مشکل جدی در روند کار به نحوی که ادامه کار با دانشجو دشوار یا نشدنی شود، استاد راهنما/مشاور باید موضوع را با پژوهشکده/دانشکده در میان بگذارد.	
--	--

۲. نظارت ناکافی

جدول ۴-۲: کدهای چالش دوم

کدهای اخلاقی	مصادیق چالش‌ها
۱. استاد راهنما/مشاور باید بر اساس جدول زمانی	۱. استاد راهنما/مشاور برخلاف برنامه توافق‌شده به

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۷۳

تعیین شده و تعداد جلسات مورد توافق به دانشجو وقت اختصاص دهد. ۲. استاد راهنما/مشاور باید نوشته‌های دانشجو را مطابق با جدول زمانی مورد توافق مطالعه کند و به دانشجو بازخورد و ارزیابی تفصیلی بدهد. ۳. استاد راهنما/مشاور باید غیر از جلسات منظم، رویه‌ای برای مواجهه با مسائل فوری (ازجمله تلفن، ایمیل، یا تنظیم جلسات فوق‌العاده) داشته باشند (شفیلد). ۴. استاد راهنما/مشاور نباید بدون هماهنگی قبلی و بدون در نظر گرفتن سازوکارهایی برای پیش‌برد کار دانشجو، راهنمایی و نظارت را متوقف کند.	دانشجو وقت کافی اختصاص نمی‌دهد. ۲. برخلاف برنامه زمانی توافق‌شده، کار دانشجو با تأخیر بررسی می‌شود. ۳. استاد راهنما نوشته‌های دانشجو را به شکل کامل مطالعه نمی‌کند. ۴. استاد راهنما/مشاور ارزیابی‌ای جزئی/تفصیلی از کار دانشجو به وی نمی‌دهد. ۵. نظارت و راهنمایی پایان‌نامه/رساله را برای مدتی رها می‌شود.
---	--

۳. عدم انعطاف و گشودگی

جدول ۴-۳: کدهای چالش سوم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. استاد راهنما/مشاور در برابر طرح ایده‌های جدید توسط دانشجو مقاومت می‌کند. ۲. استاد راهنما/مشاور کمکی به پروراندن ایده‌های	۱. استاد راهنما/مشاور باید دانشجو را به طرح ایده‌های نو و خلاقانه تشویق کند و در همان حال نگاه نظارتی و ارزیابانه خود را حفظ کند. ۲. استاد راهنما/مشاور باید تمام تلاش فکری خود

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۷۴

دانشجو نمی‌کند.	را در بهبود ایده‌های دانشجو بکار گیرد. ۳. استاد راهنما/مشاور باید جلساتی را فراهم کند که دانشجو بتواند روند کار خود را به دانشجویان و استادان ارائه کند.
-----------------	---

۴. دانش ناکافی

جدول ۴-۴: کدهای چالش چهارم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. استاد راهنما/مشاور دانش و تخصص کافی برای راهنمایی پایان‌نامه/رساله را ندارد. ۲. استاد راهنما/مشاور هنگام شروع راهنمایی، با موضوع رساله/پایان‌نامه آشنایی ندارد.	۱. استاد راهنما/مشاور در گفتگوی اولیه با دانشجو، باید درباره میزان دانش و تخصص خود صادق باشد (مانش). ۲. استاد راهنما/مشاور باید تخصص، توانایی، و تجربه کافی برای راهنمایی رساله/پایان‌نامه را داشته باشد. ۳. در صورتی که موضوع رساله/پایان‌نامه در حوزه کاری استاد راهنما/مشاور است ولی وی با موضوع انتخابی دانشجو آشنایی کافی نداشته باشد پیش از پذیرش مسئولیت راهنمایی، باید در این زمینه آشنایی لازم را کسب کند.

۴. تحمیل دیدگاه

جدول ۴-۵: کدهای چالش پنجم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. استاد راهنما/مشاور دیدگاه‌ها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کند. ۲. موضوع پژوهش به دانشجو تحمیل می‌شود.	۱. استاد راهنما/مشاور باید به استقلال فکری دانشجو احترام بگذارد و در همان حال به بهبود ایده‌ها و دیدگاه‌های وی کمک کند. ۲. انتخاب موضوع پژوهش باید در اختیار دانشجو و بر اساس علایق و توانایی‌های وی باشد. ۳. استاد راهنما در مسئله انتخاب موضوع توسط دانشجو، نباید صرفاً دنبال تحقق اهداف پژوهشی یا پیگیر علایق پژوهشی خود از طریق دانشجو باشد. ۴. استاد راهنما/مشاور باید از اقتدار و قدرت خود به شکل حرفه‌ای استفاده کند (دانشگاه‌ای‌ان‌ان).

۵. نقض اخلاق پژوهش

جدول ۴-۶: کدهای چالش ششم

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۷۶

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. استاد راهنما/مشاور ایده‌های دانشجو را به شکلی مستقل و به نام خود منتشر می‌کند.	۱. استاد راهنما/مشاور باید از کدهای اخلاق پژوهش آگاه باشد و مطمئن شود که دانشجو نیز از آن‌ها آگاه است.
۲. ترتیب درست اسامی نویسندگان در مقاله برگرفته از رساله/پایان‌نامه رعایت نمی‌شود.	۲. مؤلف اصلی رساله/پایان‌نامه دانشجو است و حق وی برای نویسنده نخست بودن مقالات برگرفته از پایان‌نامه/رساله باید محترم شمرده شود.
۳. استاد راهنما/مشاور دانشجو را مجبور به انجام پژوهش شخصی خودش می‌کند.	۳. مؤلف اصلی پایان‌نامه یا رساله دانشجو است و استاد راهنما/مشاور نباید نقش نویسنده و مجری پایان‌نامه/رساله را بازی کند.
۴. استاد راهنما/مشاور دانشجو را تشویق به تقلب (مثلاً داده‌سازی) می‌کند.	۴. استاد راهنما/مشاور نباید کدهای اخلاق پژوهش را نقض کند و دانشجو را نیز از نقض کدهای اخلاق پژوهش برحذر دارد. هرگونه سرقت ادبی ^{۳۱} ، نقض حق مؤلف ^{۳۲} ، سایه‌نویسی ^{۳۳} ، داده‌سازی ^{۳۴} ، ارسال دوگانه ^{۳۵} ، و انتشار پیشین ^{۳۶} از مصادیق نقض اخلاق پژوهش محسوب می‌شوند و استاد راهنما/مشاور و دانشجو باید از آن‌ها

^{۳۱} . plagiarism

^{۳۲} . copyright infringement

^{۳۳} . ghoswriting

^{۳۴} . data fabrication

^{۳۵} Double submission؛ ارسال یک مقاله به دو مجله (یا بیشتر) برای داوری.

^{۳۶} . prior publication؛ انتشار مجدد یک مقاله منتشرشده. این مورد شامل ترجمه مقالات می‌شود. ترجمه یک مقاله، آن را تبدیل به مقاله‌ای جدید نمی‌کند.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۷۷

بپرهیزند.	
-----------	--

۶. دریافت پاداش

جدول ۴-۷: کدهای چالش هفتم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. از دانشجو هدیه دارای ارزش اقتصادی یا هر نوع مابه‌ازای مادی در قبال انجام راهنمایی دریافت می‌شود. ۲. استاد راهنما/مشاور کارهای شخصی خود را به دانشجو واگذار می‌کند.	۱. دریافت هدایایی که دارای ارزش مادی هستند می‌تواند به ارتباط حرفه‌ای استاد راهنما/مشاور و دانشجو آسیب برساند. استاد راهنما/مشاور در طول انجام راهنمایی نباید از دانشجو هدیه دارای ارزش مادی یا هر نوع مابازاء مادی دیگر دریافت کند. ۲. استاد راهنما/مشاور نباید در ازای ارائه راهنمایی، از دانشجو خدمات دریافت کند.

۷. سوءرفتار

جدول ۴-۸: کدهای چالش هشتم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. به شخصیت و کرامت دانشجو احترام گذاشته نمی‌شود. ۲. اطلاعات محرمانه دانشجو فاش می‌شود.	۱. استاد راهنما/مشاور باید فرایند راهنمایی را در چهارچوبی حرفه‌ای پیش ببرد؛ هرگونه بدزبانی، تحقیر، و توهین نقض کرامت دانشجو محسوب شده و می‌تواند اثری مخرب روی این فرایند داشته باشد. ۲. استاد راهنما/مشاور باید رازدار باشد، و حریم خصوصی دانشجو باید محترم شمرده شود. ۳. استاد راهنما/مشاور برای دانشجو باید همچون یک الگوی رفتاری و اخلاقی باشد.

۹. رابطه دوگانه

جدول ۴-۹: کدهای چالش نهم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. استاد راهنما/مشاور با دانشجو وارد رابطه عاطفی/جنسی می‌شود. ۲. استاد راهنما با دانشجو وارد روابط اقتصادی می‌شود.	۱. روابط خارج از حرفه راهنمایی، ازجمله روابط اقتصادی و عاطفی/جنسی می‌تواند برای روند انجام پژوهش آسیب‌زا باشد. استاد راهنما/مشاور نباید وارد روابط غیرحرفه‌ای با دانشجو شود. ۲. در صورتی که استاد راهنما و دانشجو

بخواهند وارد رابطه‌ای چون ازدواج شوند، این مسئله باید در شورای پژوهش/آموزش دانشکده/پژوهشکده مطرح شود و در مورد ادامه کار استاد راهنما یا در نظر گرفتن استاد راهنمای دیگری برای دانشجو تصمیم‌گیری شود.	
--	--

۱۰. تعارض منافع

جدول ۴-۱۰: کدهای چالش دهم

مصادیق چالش‌ها	کدهای اخلاقی
۱. استاد راهنما/مشاور با دانشجو نسبت خانوادگی نزدیک دارد. ۲. استاد راهنما/مشاور با دانشجو رابطه شخصی نزدیک دارد. ۳. موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف عقیدتی/فکری/سیاسی استاد و دانشجو مشکل ساز است. ۴. موضوع پژوهش به گونه‌ای است که اختلاف جنسیتی استاد و دانشجو مشکل ساز است.	۱. استاد راهنما/مشاور پیش از برگرفتن مسئولیت راهنمایی رساله/پایان‌نامه باید هرگونه تعارض منافع را اعلام کند (دانشگاه مانش) ۲. استاد راهنما/مشاور نباید راهنمای دانشجویی شود که با وی دارای روابطی است که تعارض منافع ایجاد می‌کنند. ۳. در تعیین استاد راهنما/مشاور، ملاحظات مربوط به تفاوت‌های عقیدتی، فکری، سیاسی، جنسیتی که ممکن است به تعارض منافع بیانجامد در نظر گرفته شود.

--	--

چنانکه پیداست برای چالش‌های ده‌گانه، در کل ۳۶ کد طراحی شده‌اند. اکنون می‌توان این کدها را به همراه اصول اخلاقی‌ای که در فصل دوم بحث کردیم به عنوان کدهای اخلاقی استادان راهنما و مشاور پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در نظر گرفت:

اصول اخلاقی

۱. اصل خیررسانی؛ به دیگران یاری برسانید.
۲. اصل آسیب‌نرساندن؛ به دیگران صدمه نزنید.
۳. اصل صداقت؛ صادق باشید، و به وعده‌هایتان عمل کنید.
۴. اصل جبران؛ اشتباهات خود را جبران کنید.
۵. اصل قدردانی؛ از کسانی که به شما نیکی می‌کنند سپاسگزار باشید.
۶. اصل خودبهبودی؛ توانایی‌های خود را افزایش دهید و استعدادهای خود را شکوفا کنید.
۷. اصل عدالت؛ در ارزیابی‌ها و توزیع مسئولیت و مزایا منصف باشید.
۸. اصل احترام؛ به استقلال، ارزش‌ها، شخصیت، و حریم خصوصی دیگران احترام بگذارید.

کدهای اخلاقی

۱. استاد راهنما/مشاور باید یک برنامه مورد توافق برای تماس منظم با دانشجو داشته باشد و کار وی را مورد نظارت قرار دهد (دانشکده یا پژوهشکده باید برای تعداد جلسات استاد راهنما و دانشجو یک کمیته تعیین کنند).
۲. استاد راهنما/مشاور باید یک جدول زمانی مورد توافق با دانشجو برای انجام مراحل پایان‌نامه/رساله داشته باشد.
۳. محتوای جلسات باید توسط دانشجو ثبت و برای تأیید به استاد راهنما/مشاور ارسال شود.

۴. استاد راهنمای اول سرپرست گروه راهنمایی است و باید از طریق همفکری با بقیه گروه مسئولیت‌ها و نقش‌های هریک از استادان راهنمای دیگر را مشخص کند (ادینورا).
۵. استاد راهنمای اصلی (اول) باید همکاری و هماهنگی لازم را با دیگر استادان راهنما داشته باشد (ادینورا).
۶. استادان راهنما/مشاور باید از نحوه راهنمایی و نظارت همدیگر، و نیز توصیه‌ها و راهنمایی‌های یکدیگر آگاه باشند (ادینورا).
۷. استاد راهنما/مشاور اول باید از آگاهی دانشجویان از مسئولیت‌های هریک از اعضای تیم راهنمایی مطمئن شود (ادینورا).
۸. در صورت بروز هرگونه مشکل جدی در روند کار به نحوی که ادامه کار با دانشجوی دشوار یا نشدنی شود، استاد راهنما/مشاور باید موضوع را با پژوهشکده/دانشکده در میان بگذارد.
۹. استاد راهنما/مشاور باید بر اساس جدول زمانی تعیین شده و تعداد جلسات مورد توافق به دانشجوی وقت اختصاص دهد.
۱۰. استاد راهنما/مشاور باید نوشته‌های دانشجویان را مطابق با جدول زمانی مورد توافق مطالعه کند و به دانشجویان بازخورد و ارزیابی تفصیلی بدهد.
۱۱. استاد راهنما/مشاور باید غیر از جلسات منظم، رویه‌ای برای مواجهه با مسائل فوری (از جمله تلفن، ایمیل، یا تنظیم جلسات فوق‌العاده) داشته باشند (شفیلد).
۱۲. استاد راهنما/مشاور نباید بدون هماهنگی قبلی و بدون در نظر گرفتن سازوکارهایی برای پیش‌برد کار دانشجویان، راهنمایی و نظارت را متوقف کند.
۱۳. استاد راهنما/مشاور باید دانشجویان را به طرح ایده‌های نو و خلاقانه تشویق کند و در همان حال نگاه نظارتی و ارزیابانه خود را حفظ کند.
۱۴. استاد راهنما/مشاور باید تمام تلاش فکری خود را در بهبود ایده‌های دانشجویان بکار گیرد.
۱۵. استاد راهنما/مشاور باید جلساتی را فراهم کند که دانشجویان بتوانند روند کار خود را به دانشجویان و استادان ارائه کنند.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۸۲

۱۶. استاد راهنما/مشاور در گفتگوی اولیه با دانشجو، باید درباره میزان دانش و تخصص خود صادق باشد (مانش).

۱۷. استاد راهنما/مشاور باید تخصص، توانایی، و تجربه کافی برای راهنمایی رساله/پایان‌نامه را داشته باشد.

۱۸. در صورتی که موضوع رساله/پایان‌نامه در حوزه کاری استاد راهنما/مشاور است ولی وی با موضوع انتخابی دانشجو آشنایی کافی نداشته باشد پیش از پذیرش مسئولیت راهنمایی، باید در این زمینه آشنایی لازم را کسب کند.

۱۹. استاد راهنما/مشاور باید به استقلال فکری دانشجو احترام بگذارد و در همان حال به بهبود ایده‌ها و دیدگاه‌های وی کمک کند.

۲۰. انتخاب موضوع پژوهش باید در اختیار دانشجو و بر اساس علایق و توانایی‌های وی باشد.

۲۱. استاد راهنما در مسئله انتخاب موضوع توسط دانشجو، نباید صرفاً دنبال تحقق اهداف پژوهشی یا پیگیر علایق پژوهشی خود از طریق دانشجو باشد.

۲۲. استاد راهنما/مشاور باید از اقتدار و قدرت خود به شکل حرفه‌ای استفاده کند (دانشگاه‌ای‌ان‌ان).

۲۳. استاد راهنما/مشاور باید از کدهای اخلاق پژوهش آگاه باشد و مطمئن شود که دانشجو نیز از آن‌ها آگاه است.

۲۴. مؤلف اصلی رساله/پایان‌نامه دانشجو است و حق وی برای نویسنده نخست بودن مقالات برگرفته از پایان‌نامه/رساله باید محترم شمرده شود.

۲۵. مؤلف اصلی پایان‌نامه یا رساله دانشجو است و استاد راهنما/مشاور نباید نقش نویسنده و مجری پایان‌نامه/رساله را بازی کند.

۲۶. استاد راهنما/مشاور نباید کدهای اخلاق پژوهش را نقض کند و دانشجو را نیز از نقض کدهای اخلاق پژوهش برحذر دارد. هرگونه سرقت ادبی^{۳۷}، نقض حق مؤلف^{۳۸}، سایه‌نویسی^{۳۹}،

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۸۳

داده‌سازی^{۴۰}، ارسال دوگانه^{۴۱}، و انتشار پیشین^{۴۲} از مصادیق نقض اخلاق پژوهش محسوب می‌شوند و استاد راهنما/مشاور و دانشجو باید از آن‌ها بپرهیزند.

۲۷. دریافت هدایایی که دارای ارزش مادی هستند می‌تواند به ارتباط حرفه‌ای استاد راهنما/مشاور و دانشجو آسیب برساند. استاد راهنما/مشاور در طول انجام راهنمایی نباید از دانشجو هدیه دارای ارزش مادی یا هر نوع مابازاء مادی دیگر دریافت کند.

۲۸. استاد راهنما/مشاور نباید در ازای ارائه راهنمایی، از دانشجو خدمات دریافت کند.

۲۹. استاد راهنما/مشاور باید فرایند راهنمایی را در چهارچوبی حرفه‌ای پیش ببرد؛ هرگونه بدزبانی، تحقیر، و توهین نقض کرامت دانشجو محسوب شده و می‌تواند اثری مخرب روی این فرایند داشته باشد.

۳۰. استاد راهنما/مشاور باید رازدار باشد، و حریم خصوصی دانشجو باید محترم شمرده شود.

۳۱. استاد راهنما/مشاور برای دانشجو باید همچون یک الگوی رفتاری و اخلاقی باشد.

۳۲. روابط خارج از حرفه راهنمایی، ازجمله روابط اقتصادی و عاطفی/جنسی می‌تواند برای روند انجام پژوهش آسیب‌زا باشد. استاد راهنما/مشاور نباید وارد روابط غیرحرفه‌ای با دانشجو شود.

۳۳. در صورتی که استاد راهنما و دانشجو بخواهند وارد رابطه‌ای چون ازدواج شوند، این مسئله باید در شورای پژوهش/آموزش دانشکده/پژوهشکده مطرح شود و در مورد ادامه کار استاد راهنما یا در نظر گرفتن استاد راهنمای دیگری برای دانشجو تصمیم‌گیری شود.

³⁸ . copyright infringement

³⁹ . ghoswriting

⁴⁰ . data fabrication

^{۴۱} Double submission؛ ارسال یک مقاله به دو مجله (یا بیشتر) برای داوری.

^{۴۲} . prior publication؛ انتشار مجدد یک مقاله منتشرشده. این مورد شامل ترجمه مقالات می‌شود. ترجمه یک مقاله، آن را تبدیل به مقاله‌ای جدید نمی‌کند.

تدوین و تبیین کدهای اخلاقی استادان راهنمای پایان‌نامه‌ها و رساله‌های ایران □ ۸۴

۳۴. استاد راهنما/مشاور پیش از برگرفتن مسئولیت راهنمایی رساله/پایان‌نامه باید هرگونه تعارض منافع را اعلام کند (دانشگاه مانش)

۳۵. استاد راهنما/مشاور نباید راهنمای دانشجویی شود که با وی دارای روابطی است که تعارض منافع ایجاد می‌کنند.

۳۶. در تعیین استاد راهنما/مشاور، ملاحظات مربوط به تفاوت‌های عقیدتی، فکری، سیاسی، جنسیتی که ممکن است به تعارض منافع بیانجامد در نظر گرفته شود.

فصل پنجم

نتیجه گیری

فرایند رسیدن به هدف اصلی این پژوهش، یعنی ارائه کدهای اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها، دربردارنده سه گام اصلی بود. نخست استخراج و تعیین اصول اخلاقی راهنمای این حرفه؛ ما در وهله نخست به تبیین مسئله و نشان دادن اهمیت حرفه‌ای کردار راهنمایی پژوهش به‌ویژه راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها پرداختیم، سپس به دلایلی که در فصل دوم بحث کردیم نشان دادیم که مجموعه اصول اخلاقی راس به‌علاوه اصل احترام، راهنمای بهتری برای این حرفه در مقایسه با دیگر اصول، مانند اصول کیچنر، است. برای مثال به‌نظر می‌رسد اصل جبران و خودبهبودی برای حرفه راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کند. در وهله نخست فرایند پژوهش و راهنمایی آن برای دانشجو استاد راهنما یک فرایند خودبهبودی است؛ در جاهایی استاد راهنما برای ارائه راهنمایی بهتر لازم است خود نیز دانش و اطلاعاتش را به‌روز کند. همچنین باتوجه به محدودیت زمانی و حساسیت فرایند انجام رساله/پایان‌نامه هر نوع کوتاهی در انجام راهنمایی پژوهش لازم است در اولین فرصت جبران شود.

سپس در گام دوم از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، چالش‌های اصلی اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها را استخراج کردیم. ما غیر از منابع پژوهشی به آیین‌نامه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات متعددی رجوع کردیم و فرایند جستجو را تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه دادیم. نتیجه رسیدن به تعداد زیادی چالش بود؛ بااین‌حال در فرایند مقوله‌بندی چالش‌ها دیدیم که برخی از چالش‌ها درواقع زیرمجموعه چالش‌های دیگر و درواقع از مصادیق آن‌ها به‌شمار می‌آیند. نتیجه مقوله‌بندی رسیدن به ده چالش اصلی بود. سپس، در فصل سوم، می‌خواستیم ارتباط این چالش‌ها با زمینه دانشگاهی ایران را بسنجیم؛ در انجام این کار سه هدف را دنبال می‌کردیم؛ نخست اینکه می‌خواستیم ببینیم که آیا این چالش‌ها در زمینه دانشگاهی ایران نیز رخ می‌دهند یا نه؛ دوم اینکه درجه اهمیت آن‌ها برای ذینفعان این حرفه چقدر است؛ و سوم اینکه مشخص کنیم که آیا این چالش‌ها جامع هستند یا نه، یعنی آیا بر اساس زمینه ایران می‌توان چالش‌های دیگری اضافه کرد که در مجموعه ده چالش اصلی نیامده باشد. برای این کار در قالب تکنیک دلفی از ۲۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و همچنین فارغ‌التحصیلان و دانشجویان

تحصیلات تکمیلی نظرسنجی کردیم. نتایج این نظرسنجی در دو دور به طور مفصل در فصل سوم آمده است. نتایج حاکی از ارتباط و اهمیت بالای چالش‌ها در زمینه ایران بود. بالابودن میانگین برخی از چالش‌ها تصویری نگران‌کننده از چندوچون اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در ایران را ارائه می‌کرد. باتوجه به اینکه استادان و دانشجویان به عنوان دو ذینفع اصلی حرفه راهنمایی پژوهش در این پژوهش مشارکت داشتند امکان مقایسه چشم‌انداز اخلاقی آن‌ها با هم فراهم بود. دیدیم که دانشجویان و اساتید دیدگاه‌های واگرایی نسبت به برخی از چالش‌ها داشتند؛ به عنوان مثال دانشجویان/فارغ‌التحصیلان، در مقایسه با گروه استادان، نمره بالاتری به چالش دانش ناکافی داده بودند؛ به عبارتی دیگر دانشجویان/فارغ‌التحصیلان ارتباط و اهمیت چالش دانش ناکافی را بیشتر از چیزی می‌دانستند که استادان تصور می‌کردند. یک راه برای تعبیر این نتیجه این است که در برخی موارد استادان ممکن است دانش و مهارت‌های خود را برای راهنمایی یک رساله یا پایان‌نامه کافی ببینند ولی دانشجویان دیدگاه متفاوتی داشته باشند. همچنین دانشجویان ممکن است برخی از کنش‌ها را مصداقی از سوءاستفاده یا بهره‌کشی از دانشجو تلقی کنند ولی استادان نظر متفاوتی داشته باشند. همچنین با توجه به اینکه جنسیت‌های متفاوت و افرادی از گروه‌های قومی-دینی گوناگونی در پژوهش مشارکت داشتند امکان مقایسه دیدگاه‌های آن‌ها در مورد برخی از چالش‌هایی که می‌توانست به نحوی با مسئله جنسیت و تنوع قومی-دینی ارتباط پیدا کند فراهم شد. زنان و اقلیت‌های قومی و دینی به چالش تعارض منافع نمره بالاتری داده بودند. این نیز نشان می‌دهد که حساسیتی که زنان و افرادی از اقلیت‌های قومی-دینی روی مسئله تعارض منافع دارند معمولاً مردها یا افراد متعلق به طبقه اکثریت جامعه ندارند.

همچنین نتایج نظرسنجی حاکی از آن بود که چالش‌های گردآوری شده کم‌وبیش جامعیت دارند؛ و از این نظر تفاوت قابل توجهی میان زمینه دانشگاهی ایران و کشورهای دیگر وجود ندارد. ما از مشارکت‌کنندگان خواسته بودیم اگر غیر از چالش‌های طرح‌شده، چالش دیگری را مرتبط به زمینه ایران می‌دانند ذکر کنند. چنانکه در فصل سوم بحث کردیم مواردی که برخی از مشارکت‌کنندگان طرح کرده بودند یا زیرمجموعه‌ای از چالش‌های اخلاقی اصلی ما بود یا مستقیماً به چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها مربوط نمی‌شدند.

در گام سوم بر اساس چالش‌های به‌دست آمده، اقدام به تدوین کدهای اخلاقی کردیم. در فصل چهارم، ۳۶ کد اخلاقی به تفکیک چالش‌ها معرفی شدند. برای اطمینان از ارتباط کدهای تدوین شده با چالش‌ها و نیز جامعیت کدها، از طریق یک گروه کانونی متشکل از هشت نفر از اساتید و دانشجویان، کدهای طرح شده را به بحث گذاشتیم و نظرات نهایی آن‌ها را در بدنه کدها اعمال کردیم. برخی از افراد حاضر در گروه کانونی در گام دوم پژوهش مشارکت داشتند ولی برخی از آن‌ها افراد علاقه‌مند جدیدی بودند؛ ضمناً همه این افراد کم‌وبیش با مباحث اخلاق حرفه‌ای آشنا بودند.

در اینجا مایلیم به برخی از محدودیت‌های گام‌های دوم و سوم این پژوهش اشاره کنیم. یکی از مشکلاتی که در این پژوهش داشتیم یافتن افراد مرتبطی بود که می‌توانستند و مایل بودند تا در گام دوم این پژوهش، یعنی سنجش ارتباط و جامعیت چالش‌های اخلاقی، طی دو دور، مشارکت کنند. دشواری این کار در وهله نخست ناشی از این بود که می‌خواستیم حداکثر تنوع را در رشته‌ها و حوزه‌های آموزشی و پژوهشی، و نیز جنسیت، گرایش‌های دینی و وابستگی‌های قومی، لحاظ کنیم. مسئله دوم این بود که باید یک نوع توازن در انتخاب افراد وجود می‌داشت. باتوجه به ارتباط‌های مؤلف با افرادی زیادی در حوزه علوم انسانی، تعداد مشارکت‌کننده‌ها می‌توانست از ۲۵ نفر به ۵۰ نیز افزایش یابد اما با هزینه عدم توازن میان مشارکت‌کننده‌ها. پیدا کردن افراد علاقه‌مند در حوزه‌هایی فنی-مهندسی و علوم طبیعی به مراتب دشوارتر از حوزه علوم انسانی بود. بسیاری از افراد علاقه‌ای به مشارکت نداشتند؛ برخی افراد، علی‌رغم اینکه هم در ابتدای نظرسنجی و هم طی صحبت‌های شفاهی توضیح داده شد که هویت مشارکت‌کننده افشا نخواهد شد، به دلیل عدم آشنایی کافی با پژوهشگر از همکاری سرباز زدند. درنهایت ما توانستیم با ۲۸ نفر از حوزه‌های علوم انسانی-اجتماعی و علوم طبیعی و فنی-مهندسی، با حفظ توازن لازم، هماهنگ کنیم که در دو دور این پژوهش مشارکت کنند. ۳ نفر از این افراد به دلایلی در دور دوم مشارکت نکردند یا نتوانستند طی بازه زمانی مورد توافق نتایج را به دست پژوهشگر برسانند. بنابراین ما نتایج نهایی را از مشارکت ۲۵ نفر از افراد، بدون احتساب نتایج ۳ نفر ذکر شده در دور اول، استخراج کردیم. یکی دیگر از محدودیت‌ها، مربوط به گام سوم پژوهش بود؛ گروه کانونی تشکیل شده به خاطر همه‌گیری کرونا به صورت مجازی برگزار شد.

اجازه دهید بحث را با اشاره به برخی پیشنهاد‌های عملی در مورد نتایج این پژوهش و نیز به برخی از پژوهش‌هایی که در ادامه این کار می‌توانند انجام شوند اشاره کنم. بررسی ارتباط و اهمیت چالش‌های اخلاقی راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه با توجه به زمینه ایران، نشان داد که کیفیت اخلاقی راهنمایی در وضعیت چندان مطلوبی نیست. به نظر ما می‌توان دو راهکار هم‌زمان برای این وضعیت ارائه داد. نخست باتوجه به اینکه اخلاق حرفه‌ای در کل کاروباری آموزشی است، برگزاری دوره‌های آموزشی اخلاق حرفه‌ای راهنمایی پژوهش برای استادانی که مایل‌اند راهنما و مشاور رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها شوند لازم به نظر می‌رسد. بسیاری از استادان با چالش‌های اخلاقی این حوزه آشنایی ندارد و از وظایف اخلاقی خود آگاه نیستند. پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان بخشی از مطالب آموزشی این دوره‌ها مورد استفاده قرار گیرد. پیشنهاد دوم درباره نحوه استفاده از کدهاست. حالت مطلوب این است که این کدها از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه و پژوهشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی ابلاغ شوند. چنانکه در گام دوم دیدیم ۹۶ درصد دانشجویان/فارغ‌التحصیلان و ۶۶ درصد استادان مشارکت‌کننده با ابلاغ این کدها به مؤسسات آموزشی و پژوهشی موافق بودند. این ابلاغ دست کم استادان راهنما را از وجود این کدها آگاه می‌کند و می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم حساسیت اخلاقی آن‌ها را بالا ببرد.

پژوهش حاضر گام نخست تدوین راهنمای جامع راهنمایی پژوهش (با تمرکز بر راهنمایی رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها) است. تدوین راهنمای جامع نظارت ازجمله موضوعاتی است که در غرب به آن توجه شده و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده‌اند (برای مثال Kearns and Finne 2017). برای تکمیل این راهنما، دو کار دیگر باید انجام شود که موضوع پژوهش‌های آتی خواهد بود. ما از سه ضلع اصلی مثلث نظارت بر پژوهش صرفاً روی یک ضلع، یعنی استادان راهنما، متمرکز بودیم. دانشجویان و مؤسسات آموزشی و پژوهشی دو ضلع دیگر این مثلث هستند. استخراج کدهای اخلاقی این دو کنشگر نیز اهمیت دارد. دوم تنش‌ها و دوراهی‌هایی که ممکن است میان این سه ضلع رخ دهد و راهکارهای مواجهه با آن‌ها موضوع مطالعاتی دیگری است که برای تکمیل این راهنما اهمیت دارد. این راهنما می‌تواند به عنوان یک منبع آموزشی در دوره‌هایی که پیش از این به آن اشاره کردیم مورد استفاده قرار گیرند.

منابع

- سلیمی، قاسم، و نیره حسینی. ۱۳۹۸. «واکاوی تجارب زیسته دانشجویان دکتری در خصوص مسئولیت‌های استاد راهنما به عنوان ارشاد‌کننده پژوهشی». *پژوهش‌نامه برنامه‌ریزی در آموزش عالی* ۲۵ (۴): ۲۳-۵۲.
- عطاران، محمد، حسن‌رضا زین‌آبادی، و سعید طولابی. ۱۳۸۸. انتخاب استاد راهنما و رابطه استاد راهنما - دانشجوی، دیدگاه‌های دانش‌آموختگان دوره دکترا. *مطالعات برنامه درسی* ۴ (۱۶): ۹۶-۱۲۹.
- قربانی تنها، سید امیر کیوان. ۱۳۹۸. «اخلاق‌مداری در فرآیند انجام پایان‌نامه»، دومین همایش ملی دانشگاه / اخلاق‌مدار. ۲۶-۲۶ آذر. تهران، ایران.

ساختار مردانه اعضای هیأت علمی در آموزش عالی کشور. ۱۳۹۵. <https://heiatelmi.ir/>

Alfredo, K., & Hart, H. 2011. 'The university and the responsible conduct of research: Who is responsible for what?' *Science and Engineering Ethics*. 17: 447-457.

Anderson, M. S., Louis, K. S., & Earle, J. 1994. 'Disciplinary and departmental effects on observations of faculty and graduate student misconduct'. *Journal of Higher Education*. 65: 331-350.

Berggren, Barbosa da Silva A, & E. Severinsson. 2005. 'Core ethical issues in clinical supervision'. *Nurs. Health Sci*. 7: 21- 28.

Goodyear, R. K., Crego, C. A. & Johnston, M W. 1992. 'Ethical issues in the supervision of student research: A study of critical incidents'. *Professional Psychology: Research and Practice* 23 (3): 203-210.

Grant, K., Hackney, R., & Edgar, D. 2014. 'Postgraduate research supervision: An 'agreed' conceptual view of good practice through derived metaphors'. *International Journal of Doctoral Studies* 9: 43-60.

Green Pam. 2005. *Supervising postgraduate research: contexts and processes, theories and practices*. RMIT University Press.

Meyer, J. H. F., Shanahan, M. P. & Laugksch, R. C. 2005. 'Students' conceptions of research. I: A qualitative and quantitative analysis'. *Scandinavian Journal of Educational Research* 49 (3): 225–244.

Pyhältö, K., Vekkaila, J., & Keskinen, J. 2012. 'Exploring the fit between doctoral students' and supervisors' perceptions of resources and challenges vis-à-vis the doctoral journey'. *International Journal of Doctoral Studies* 7: 395–414.

Löfström, E., & Pyhältö, K. 2012. 'The supervisory relationship as an arena for ethical problem-solving'. *Education Research International*, ID 961505.

Löfström, E., & Pyhältö, K. 2014. 'Ethical issues in doctoral supervision. The perspectives of PhD students in the natural and behavioural sciences'. *Ethics & Behavior* 24 (3): 195–214.

Löfström, E., & Pyhältö, K. 2015. 'I don't even have time to be their friend!' 'Ethical dilemmas in PhD supervision in hard sciences'. *International Journal of Science Education* 37 (16): 2721–2739.

Löfström, E. & Pyhältö, K. 2017. 'Ethics in the supervisory relationship: supervisors' and doctoral students' dilemmas in the natural and behavioural sciences'. *Studies in Higher Education* 42(2), 232-247.

Löfström, E. & Pyhältö, K. 2017. 'What are ethics in doctoral supervision, and how do they matter? Presented at European Association for Research on Learning and Instruction Conference in Tampere. August 29-September 2.

Löfström, E., Trotman, T., Furnari, M. & Shephard, K. 2015. 'Who teaches academic integrity and how do they do it?' *Higher Education* 69(3), 435-448.

Gray, P. W., and S. R Jordan. 2012. 'Supervisors and academic integrity: supervisors as exemplars and mentors'. *Journal of Academic Ethics* 10: 299-311.

Todd, M., Smith, K., & Bannister, P. 2006. 'Supervising a social science undergraduate dissertation: Staff experiences and perceptions'. *Teaching in Higher Education*, 11(2), 161-173.

Verweij Marcel .2007. 'Moral Principles and Justification in Applied Ethics'. In *Perspectives on Applied Ethics*. Ed. Göran Collste, Centre for Applied Ethics. Linköping.

Gillon, R. 1994. 'Medical ethics: four principles plus attention to scope', *BMJ* 309 ;309:184

Gotterbarn Donald et. al. 2001. 'Software Engineering Code of Ethics and Professional Practice'. *Science and Engineering Ethics* 7(2).

Ross, W.D. 1939. *Foundations of Ethics: the Gifford Lectures Delivered at the University of Aberdeen, 1935-6*. Oxford: Clarendon Press.

Ross W.D. 2002. *The Right and the Good*. Reprinted with an introduction by Philip Stratton-Lake. Oxford: Oxford University Press.

ALIREZA YOUSEFI, LEILA BAZRAFKAN, and NIKOO YAMANI. 2015. 'A qualitative inquiry into the challenges and complexities of research supervision: viewpoints of postgraduate students and faculty members'. *J Adv Med Educ Prof*. 3(3): 91-98.

Ivy Panda. 2019. 'Ethical Issues in Supervision of Postgraduate Research Students'. Retrieved from <https://ivypanda.com/essays/ethical-issues-in-supervision-of-postgraduate-research-students/>

Manathunga, C & Justine, G. 2007. 'Challenging the dual assumption of the "always/already" autonomous student and effective supervisor', *Teaching in Higher Education*. 12(3): 309-322.

Watts, J. 2010. 'Team supervision of the doctorate: managing roles, relationships and contradictions'. *Teaching in Higher Education* 15(3): 335-339.

Miller Richard L. 2013. 'Ethical Issues in Supervising', in Donnelly et. Al. eds., *Supervising and Writing a Good Undergraduate Dissertation*, 78-108.

Brew, A & Tai, P. 2004, 'Changing postgraduate supervision practice: a programme to encourage learning through reflection and feedback', *Innovations in Education and Teaching International* 41(1): 5-22.

Kearns, Hugh and John Finn. 2017. *Supervising PhD Students; A practical guide and toolkit*, Think Well publication.

European University Institute. 2021. Code of Ethics in Academic Research. <https://www.eui.eu/Documents/ServicesAdmin/DeanOfStudies/CodeofEthicsinAcademicResearch.pdf>.

Inland Norway University of Applied Sciences. 2019. Ethical guidelines for supervisors at INN University. <https://eng.inn.no/research/research-training-phd/phd-handbook/the-course-of-studies/supervision/ethical-guidelines-for-supervisors-at-inn-university>

Cambridge University. 2019-19. Code of Practice for research students starting their course in 2018-19 introduction. https://www.cambridgestudents.cam.ac.uk/files/cop_research_1819.pdf

Academia. 2021. Is there a code of ethics for Ph.D. supervisors? <https://academia.stackexchange.com/questions/54263/is-there-a-code-of-ethics-for-ph-d-supervisors>

Sydney University. 2021. Research supervision.

<https://www.sydney.edu.au/students/researchsupervision.html#:~:text=Your%20supervisors'%20role%20is%20to,providing%20feedback%2C%20encouragement%20and%20support.>

UCL Arena Centre for Research-based Education. 2019. Research and project supervision (all levels): an introduction. <https://www.ucl.ac.uk/teaching-learning/publications/2019/aug/research-and-project-supervision-all-levels-introduction>

American psychological association. 2017. 'Ethical Principles of Psychologists and Code of Conduct'. <https://www.apa.org/ethics/code>

Association for Computing Machinery. 2018. ACM Code of Ethics and Professional Conduct. <https://www.acm.org/code-of-ethics>.

University of London. ND. Principles of research ethics. <https://www.city.ac.uk/research/support/integrity-and-ethics/ethics/principles>

The University of Edinburgh. 2021. Code of Practice for Supervisors and Research Students. <https://www.ed.ac.uk/files/atoms/files/copsupervisorsresearchstudents.pdf>

Lund University. ND. Mutual ethical guidelines for the relationship between supervisors and doctoral students at LTH. https://www.lth.se/fileadmin/lth/lthhandboken/utbildningforskning/forskarutbildning/Mutual_ethical_guidelines_for_the_relationship_between_supervisors_and_doctoral_students_at_LTH.pdf

Abstract

In this research we first, in chapet 2, identify a set of ethical principles underpin the research supervision as a profession. Then, in chapert 3, we articulate a relatively comprehensive list of ethical challenges to research supervision in higher education exploring related academic regulations and relevant pieces of research. In the next step, we examine the relevancy and comprehensiveness of the list in the context of Iran surveying a number of faculty members and postgraduate students in Iranian universities and institutes. The survey data show high relevancy of ethical challenges to Iran's academic context. The averages of seven challenges have been above three and the averages of two challenges of mismanagement and inadequate supervision have been above 4 which indicate the morally unsatisfactory status of academic research supervision in Iran. In general, the averages of challenges related to the behavior and character of supervisors were lower than those of challenges related to their expertise, knowledge, and management. Furthermore, as we have seen, there are significant differences between the moral perspectives of students and supervisors in regard to supervision. The averages of the first group for all the challenges were higher than those of the second group. This means that the moral status of research supervision for students is worse than what the supervisors think. Finally, in chapert 4, we develop 36 codes of ethics for rsearch supervision in Iran acording to the instances of the challenges.

Keywords: research supervions, supervisor, code of ethics, thesis, dissertation.



**Iranian Research Institute
for Information Science and Technology (Irandoct)**

Research Project

**Developing and explaining the code of ethics for
Iranian supervisors of Theses and Dissertations**

By:

Rahman Sharifzadeh

